

انتشار نامه‌های طبقه‌بندی شده  
بررسی اختلافات نمایندگان مجلسخاموشی خانه شعر  
توقف فعالیت خانه شاعران ایرانقطار به جای کشتی؟  
درباره صادرات و واردات از طریق ریلحج در میانه جنگ؟  
نگرانی‌ها درباره مناسک حجبیدار شدن غول  
چرا بازارها دوباره متلاطم شدند؟

یادداشت روز

## سرنوشت پیشنهاد ایران

آلترناتیو آمریکا پس از آتش بس چیست؟

کوروش احمدی

دیده‌های پیشین



با برقراری آتش بس بین ایالات متحده و ایران پس از جنگ ۴۰ روزه، همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، واشنگتن به سمت محاصره دریایی و تشدید تحریم‌ها برای ضربه زدن به اقتصاد ایران حرکت کرد. با این حال پرسش این است که در آینده این وضعیت به کجا خواهد کشید.

به نظر می‌رسد که اکنون تصور ترامپ این است که اقدام نظامی مجدد، نتیجه‌ای بیشتر از اقدام نظامی پیشین نمی‌تواند داشته باشد. عامل مهمی که نتایج و ترامپ روی آن حساب می‌کردند این بود که غافلگیری و شوک اولیه، همراه با ترور تعداد قابل توجهی از سران نظام، به اصطلاح باعث فروپاشی شود؛ یعنی نظام نتواند تحمل کند و ظرف چند روز این اقدام اثر بگذارد. اما پس از گذشت چند روز، نظام سیاسی ما از آن شوک اولیه خارج شد و تاب‌آوری قابل ملاحظه‌ای از خود نشان داد و توانست، انسجامش را حفظ کند. جامعه نیز عمدتاً این تاب‌آوری را نشان داد و بسیاری از مسائل و مشکلات معمول در حاشیه قرار گرفت. طبعاً در شرایط جنگی مسائل دیگر، حکم مسائل فرعی پیدا می‌کنند و در درجات بعدی اهمیت قرار می‌گیرند. در این شرایط، جامعه بر جنگ متمرکز شد و توانست، تاب‌آوری قابل ملاحظه‌ای از خود نشان دهد. اکنون شاید تصور آمریکا و اسرائیل این باشد که اگر دوباره به اقدام نظامی بگردند، آن شوک اولیه، عنصر غافلگیری و ترور تعداد قابل توجهی از سران نظام عملی نخواهد بود و در نتیجه اقدام نظامی ممکن است حاصلی در بر نداشته باشد.

دلیل دیگر این است که اقدام نظامی به هر حال در سطح بین‌المللی و در داخل آمریکا عوارضی دارد و این نیز ممکن است سبب شده باشد تا حداقل در حال حاضر اقدام نظامی را از دستور کار خارج کرده باشند. سومین دلیل مهم این است که تصور آمریکا و رژیم اسرائیل ممکن است اکنون این باشد که آلترناتیو یا بدیلی برای جنگ وجود دارد و آن محاصره اقتصادی است. به این سه دلیل ممکن است در مرحله فعلی، اقدام نظامی چندان محتمل نباشد. ظاهراً تصور آمریکا این است که می‌تواند به‌جای اقدام نظامی بر تشدید فشار اقتصادی و محاصره دریایی متمرکز شود و مدتی این مسیر را امتحان کند. در نتیجه شاید مقامات ما باید در نظر بگیرند که این فشار فزاینده اقتصادی به همراه محاصره دریایی ممکن است تا مدتی ادامه پیدا کند. در این وضعیت حساس، تا آنجا که از رسانه‌های بین‌المللی برمی‌آید، سه پیشنهاد از سوی ایران برای مذاکرات با آمریکا مطرح شده است: در مرحله اول پایان جنگ و گرفتن تضمین‌های لازم برای اینکه آمریکا مجدداً اقدام نظامی انجام ندهد؛ مرحله دوم، مذاکره در مورد بازگشایی تنگه هرمز؛ و مرحله سوم، مذاکره در مورد هسته‌ای. اگر این موارد را مطابق آنچه که در رسانه‌های خارجی آمده، مبنا قرار دهیم، اولاً باعث تأسف است که مقامات کشور هیچ اطلاعی درباره کلیات و جزئیات این پیشنهادها به مردم خود نمی‌دهند، درحالی که این طرح را به آمریکا داده‌اند، آمریکا بلافاصله به اسرائیل می‌دهد و بعد هم این موضوع به رسانه‌ها درز پیدا می‌کند. در واقع تنها کسی که اکنون اطلاع دست اول و معتبری در اختیار ندارد، مردم ما در داخل کشور است. البته حتماً مقامات در مواردی نمی‌توانند خیلی شفاف عمل کنند اما در شرایطی که مقامات و رسانه‌های غربی و اسرائیلی از موضوعی خبر دارند، عدم ارائه توضیحی به مردم درباره آن موضوع خیلی توجیهی ندارد.

ثانیاً اگر طرف مقابل این پیشنهاد را بپذیرد، یعنی بپذیرد که با ایران مذاکره کند و تضمین دهد که دیگر به ایران حمله نخواهند کرد این مرحله اول بسیار خوب است. اما باید دید چه امتیازهایی در این رابطه باید رد و بدل شود.

در مورد دوم، یعنی بازگشایی تنگه هرمز، یک سوال مهم وجود دارد و آن اینکه آیا منظور از بازگشایی، بازگرداندن وضعیت تنگه هرمز به وضعیت قبل از شروع جنگ یعنی وضعیت عادی پیش از شروع جنگ است یا خیر؟ در بعضی از منابع گفته شده که در مرحله دوم، مذاکره درباره نحوه اداره و مدیریت تنگه هرمز و اخذ عوارض توسط ایران خواهد بود. اگر منظور این باشد که با آمریکا مذاکره کنیم برای اینکه ایران تنگه را بازگشایی کند حتماً کار دشواری خواهد بود.

| ادامه در صفحه ۳

## جدایی از ترامپ

سخنان اخیر مرتس، صدراعظم آلمان علیه رئیس جمهور آمریکا، مخالفت سانچز، نخست وزیر اسپانیا با حمله به ایران، عدم ورود انگلیس به این جنگ و نیز عدم تمایل فرانسه و ایتالیا به تقابل با ایران، نشان داد که اروپا راه خود را از آمریکا جدا کرده و غرب دچار شکافی آشکار شده است



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



روابط آمریکا و کشورهای اروپایی بر سر جنگ علیه ایران، وارد فضای شکننده و اختلاف‌برانگیز شده است. ایالات متحده و متحدان اروپایی که زمانی نماد اتحاد علیه جنگ اوکراین بودند امروز پرمناقشه‌ترین روابط را در روابط فرآتلانتیکی و در چارچوب ناتو تجربه می‌کنند. در این میان، مواضع رهبران آمریکا و اروپا به‌صراحت نشان‌دهنده شکاف عمیقی است که در حال گسترش است. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، در واکنش به اظهارات اخیر فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان گفت: «او فکر می‌کند، داشتن سلاح هسته‌ای برای ایران اشکالی ندارد. او نمی‌داند درباره چه چیزی صحبت می‌کند!» ترامپ مدعی شد: «اگر ایران سلاح هسته‌ای داشت، کل جهان گروگان گرفته می‌شد.»

| ادامه در صفحه ۳

## گزارش

## تناقض دولت

کنایه نماینده مجلس به دولت:  
چرا رئیس جمهور نقش منتقد را بازی می کند؟



**گروه سیاسی:** ماجرای پرحاشیه اینترنت پرو، این روزها تبدیل شده به نمادی از یک تناقض بزرگ در موضع گیری دولت، تناقضی که صدای نمایندگان مجلس را هم درآورده است. دولت، از یک طرف اعلام می کند که اینترنت پرو با مصوبه شورای عالی امنیت ملی اجرا شده و از طرف دیگر، تأکید دارد که با «بی عدالتی ارتباطی» مخالف است. علیرضا سلیمی، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس روز گذشته به درستی دست روی این تناقض گذاشت و از رئیس جمهور خواست درباره آن پاسخ دهد. او می گوید که «اگر اینترنت پرو با مصوبه شورای عالی امنیت ملی اجرا شده و رئیس این شورا شخص رئیس جمهور است، چگونه همان دولت بیرون از جلسه اعلام می کند که با این تصمیم مخالف است؟» سلیمی درباره موضع دولت به ایلنا گفته است: «آقای رئیس جمهور و وزیر ارتباطات مطرح کردند که ما مخالف این قضیه هستیم؛ سوال اینجاست چه کسی این تصمیم را گرفته است؟» او تأکید می کند: «رئیس این شورا آقای رئیس جمهور است و باید در این زمینه پاسخ دهد، اینکه می گوید ما مخالف هستیم یعنی با تصمیم خودش مخالفت کرده است!» سلیمی می گوید: «در شرایط جنگی الزامات و اقتضانات امنیتی را باید همه دستگاهها رعایت کنند، اینکه در یک جلسه ای تصمیمی گرفته می شود و بیرون می آید و رئیس آن جلسه علیه آن تصمیم صحبت کند، درست نیست.»

سلیمی همچنین تأکید می کند: «تصمیماتی که نهادهای امنیتی می گیرند، لازم الاجرا برای همه است؛ حتی برای آن کسی که عضو آن جلسه است. مانند مجلس که اگر تصمیمی بگیرد، قانون لازم الاجرا برای خود نماینده مجلس هم هست. در شورای عالی امنیت ملی هم همین گونه است.» او در نهایت معتقد است که اکنون زمان کنش سیاسی نیست و حفظ کشور از همه چیز واجبتر است. سلیمی در پاسخ به اینکه آیا کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی به این مسئله ورود می کند، گفته: «بالاخره باید در این زمینه توضیحاتی ارائه شود و کسی که می تواند درباره آن توضیحات لازم را بدهد خود آقای رئیس جمهور است.»

نکنه مدنظر سلیمی گرچه با لحنی تند مطرح شده اما منطقی است؛ چراکه شورای عالی امنیت ملی نهادی نیست که دولت از بیرون به آن نگاه کند. البته کسی منکر شرایط خاص کشور نیست؛ نکته اینجاست که رئیس این شورا، رئیس جمهور است. بنابراین اگر تصمیمی در آنجا اتخاذ می شود، دولت باید یا از آن دفاع کند یا اگر مخالف است همان جا مخالفت خود را ثبت کند. رئیس جمهور نمی تواند همزمان هم رئیس جلسه باشد و هم منتقد مصوبه همان جلسه. این رویکرد نه از نظر حقوقی قابل دفاع است و نه از نظر سیاسی قابل قبول. اگر تصمیم امنیتی بوده باید صادقانه برای مردم توضیح داده شود؛ اگر هم اشکالی در آن وجود دارد، مسئولیت اصلاح آن نیز بر عهده همان مدیرانی است که در رأس تصمیم گیری قرار دارند نه اینکه صرفاً با چند اظهار نظر رسانه ای تلاش کنند هزینه سیاسی آن را کاهش دهند. این رفتار برای افکار عمومی بیش از هر چیز شبیهی یک فرار سیاسی است و نتیجه آن هم بی اعتمادی عمومی؛ مردم می بینند که از یک سو اینترنت آزاد، با کیفیت و برابر به عنوان حق شهروندی مطرح می شود و از سوی دیگر، سازوکاری تحت عنوان اینترنت پرو شکل می گیرد که عملاً دسترسی را طبقه بندی می کند. سپس همان مسئولانی که در ساختار تصمیم گیری حضور داشته اند، خود را مخالف این تبعیض معرفی می کنند! در چنین فضایی مطالبه مجلس برای شفاف سازی کاملاً به حق است و توضیح اصلی را باید شخص رئیس جمهور ارائه دهد؛ کسی که هم ریاست شورای عالی امنیت ملی را بر عهده دارد و هم مسئول مستقیم اداره دولت است.

## انتشار نامه های طبقه بندی شده

## بررسی دلایل مخالفت نمایندگان جبهه پایداری در حمایت از تیم مذاکره کنندگان

و اختلاف حدود ۱۴۰ امضای را نشان داد که عملاً باعث شد درباره دقت آمارهای اولیه تردید جدی به وجود بیاید. کمی بعد شایان دنیادیده، خبرنگار پارلمانی، برای توضیح این آشفتگی نوشت که در شرایط فعلی برخی نمایندگان از طریق تبلت امضا می کنند اما به دلیل تعطیلی مجلس یا در اختیار نداشتن تبلت، برخی تلفنی تأیید داده اند. او توضیح داد که نامه و بیانیه مانند قانون و لایحه نیست که الزاماً نیازمند ثبت رسمی الکترونیکی یا کاغذی باشد. مهم تر اینکه او تصریح کرد: «آقای مصمصامی و یزدیان که جزو ۱۲۰ نفر ثبتی بودند، امضای خود را دیروز پس گرفتند که در سیستم ثبت است. یعنی اول امضا کرده اند اما الان به هر علتی ششمان شده اند». این توضیح اگرچه بخشی از ماجرا را روشن کرد اما در عین حال ضعف جدی در روند اطلاع رسانی اولیه را هم نشان داد. وقتی اسامی قبل از تثبیت نهایی منتشر می شود طبیعی است که خبر رسمی به سرعت با تکذیب نمایندگان مواجه شود.

## محور مشترک مخالفان

اما دلایل مخالفان این بیانیه تقریباً بر یک محور مشترک استوار است؛ مخالفت با «حمایت مطلق» از تیم مذاکره کننده. امیرحسین ثابتی در کانال تلگرامی اش نوشت که بیانیه را امضا نکرده چون حمایت مطرح شده در متن، به صورت مطلق بوده و نه مشروط به رعایت خطوط قرمز رهبری. او تأکید کرد: «هیچگاه در قامت نمایندگی چک سفید امضا به دست کسی نخواهم داد.»

محمد رستمی، نماینده نیشابور هم همین استدلال را مطرح کرد و گفت اصلاً نامه را امضا نکرده اما نامش در فهرست منتشر شده است. او نوشت: «بند به دلیل عدم لحاظ تحقق شروط رهبر معظم انقلاب به عنوان وجه التزام حمایت از هیأت مذاکره کننده، این بیانیه را امضا نکردم.» به گفته او، اگر در متن بیانیه قید تحقق شروط رهبر انقلاب و خطوط قرمز به عنوان شرط حمایت درج می شد، او هم آن را امضا می کرد. در مجموع، ماجرای بیانیه حمایت از تیم مذاکره کننده نمایندگان به تصویری از آشفتگی در اطلاع رسانی و چندگانگی در روایت رسمی تبدیل شد. عدها مدام تغییر کردند؛ از ۲۶۱ امضا به ۲۵۶ و از ۷ مخالف به ۲۸ مخالف. نامه های هم میان این روایت ها رفت و برگشت داشتند. همین تفاوت ها هم باعث شد که جزئیات این بیانیه در چند گزارش و روایت مختلف دنبال شود و جمع بندی واحدی از آن در خبرها دیده نشود. به عبارت دیگر در پروژه ای که قرار بود نماد وحدت و حمایت جمعی باشد، خود روایت وحدت به محل اختلاف تبدیل شد.

۲۵۶ نماینده بیانیه را امضا کرده اند همچنین به جای ۷ نفر گفته شد ۲۸ نماینده این بیانیه را امضا نکرده اند. در فهرست جدید علاوه بر چهره هایی که پیش تر اسامی شان ذکر شد، نام هایی چون ابوالفضل ظهروند، کامران غضنفری، مهدی کوچک زاده، زهره سادات لاجوردی، بیژن نویار، مرتضی محمودی، ابوالقاسم جراره، فاطمه جراره، قاسم روانبخش، محمد منان ریسی، محمدرضا صباغیان، علیرضا عباسی، احمد راستینه، امیرحسین بانکی پور، رسول بخشی دستجردی، عباس مقتدایی، نصرالله پژمانفر، علی اصغر نخعی راد، عباس بیگلری، حسین امامی راد، مجید دوستعلی و محمدنور دهانی نیز دیده می شد.

## از اعلام امضا تا تکذیب

اما تناقض مهم تر ماجرا به حسین مصمصامی برمی گردد. پیش تر امیرحسین یزدان پناه، رئیس اداره اخبار مجلس و از اعضای تیم رسانه ای قالیباف، در شبکه اجتماعی ایکس



نوشته بود که نمایندگان با سلیبیک مختلف این بیانیه را امضا کرده اند و به طور مشخص از مصمصامی هم نام برده بود. او در همان پیام تأکید کرده بود: «نمایندگان با سلیبیک مختلف در جریان انقلابی، بیانیه حمایت از تیم مذاکره کننده به خصوص دکتر قالیباف را امضا کرده اند از جمله آقایان حاجی بابایی، نیکزاد، متکی، خضریان، ذوالنوری، کوثری، حاجی دلگانی، مصمصامی و...»

اما روز گذشته خود مصمصامی روایت متفاوتی ارائه داد و نوشت: «تا ساعت ۹ صبح امروز (دیروز) بیانیه فوق توسط ۱۱۶ تن از نمایندگان در سامانه مجلس امضا شده بود. اینجانب ضمن حمایت و تأکید بر انسجام ملی، به دلیل برخی ملاحظات موجود در بیانیه، از امضای آن صرف نظر کردم». نکته توییت مصمصامی این بود که تعداد امضاها را ۱۱۶ نفر اعلام کرد، در حالی که خبرگزاری فارس عدد ۲۵۶ نفر را منتشر کرده بود

عاطفه شمس  
گروه سیاسی

در ماجرای بیانیه حمایتی نمایندگان مجلس از تیم مذاکره کننده و محمدباقر قالیباف، نکته قابل توجه اختلاف ها و ابهام هایی است که درباره دلایل مخالفان، تعداد امضاها، اسامی مخالفان و حتی اصل امضا کردن یا نکردن بعضی نمایندگان به وجود آمده است.

در همین فضا محسن مهدیان، مدیرمسئول روزنامه همشهری روز گذشته در یادداشتی با تیر «درباره تحمیل به رهبری» تلاش کرد، اصل دوگانه سازی میان موافقان و مخالفان مذاکره را نقد کند. مهدیان نوشت: «اخیراً گفته می شود عده ای به دنبال تحمیل مذاکره به رهبری هستند. چرا چنین می گویند؟ انتشار برخی اسناد با طبقه بندی «به کلی سری» که به صورت گزینشی از نامه نگاری های شعام با رهبر انقلاب بیرون درز کرده است. فارغ از اینکه چرا باید چنین نامه هایی منتشر شود یک نکته بسیار ضروری است: اساساً تبادل نظر، آن هم در چنین ساحتی، کاملاً طبیعی است. حتی ممکن است یک مسئول کلاً نظر مخالف امام جامعه داشته باشد و وظیفه دارد، صادقانه آن را بیان کند. طبیعی است که حکم نهایی در نهایت با رهبر انقلاب است». مهدیان تأکید می کند که رهبر ممکن است به دلایل مختلفی مانند نظر مردم، همراهی با نظر شورایی مسئولان، مصلحت بالاتر یا اقتضای شرایط، تصمیمی متفاوت از نظر شخصی خود اتخاذ کند اما این به معنای تحمیل

نیست. به تعبیر او، طرح این ادعا که عده ای چیزی را به رهبری تحمیل کرده اند، تصویری نادرست و حتی نوعی اسانه ادب است؛ زیرا امام جامعه را مسلوب الاراده نشان می دهد.

## ۱۱۶ یا ۲۵۶ امضا؟

همچنین ابتدا اعلام شد که ۲۶۱ نماینده مجلس این بیانیه را امضا کرده اند و فقط ۷ نفر حاضر به امضای آن نشده اند؛ ۷ چهره ای که همگی منسوب به طیف نزدیک به سعید جلیلی و جبهه پایداری بودند: محمود نویار، محمدتقی تقدعلی، مرتضی آقائهرانی، امیرحسین ثابتی، حمید رسایی، روح الله ایزدخواه و میثم ظهوریان.

در واقع در خبرهای اولیه این طور القا شد که اکثریت قاطع مجلس پشت تیم مذاکره کننده ایستاده اند اما خیلی زود این روایت تغییر کرد. در گزارش بعدی اعلام شد که نه ۲۶۱ نفر بلکه

## رسانه

## اظهارات هزینه ساز

## رسانه ها درباره اثرات داخلی و خارجی مواضع نمایندگان چه می گویند

**گروه سیاسی:** در روزهایی که گذشت تقریباً در اغلب رسانه ها انتقاداتی به مواضع برخی از نمایندگان مجلس وارد شد که محور مشترک همه آنها، هزینه ساز بودن سخنان و مواضع غیررسمی و بعضاً تند این افراد برای کشور در عرصه داخلی و خارجی است. مرور گزارش ها و یادداشت های تحلیلی نشان می دهد این موضوع در رسانه های جریان اصلی به عنوان یک نگرانی جدی مطرح شده و بارها درباره پیامدهای سیاسی و دیپلماتیک چنین اظهاراتی هشدار داده شده است.

یکی از نمونه هایی که بازتاب زیادی داشت، اظهارات محمدعلی نقدعلی بود. او در سخنانی تند، حامیان مذاکره را تهدید کرد و گفت که «خانه طرفداران مذاکره را بر سرشان خراب خواهیم کرد!» تحلیلگران نوشته اند که چنین ادبیاتی عبور از مرزهای عرف سیاسی و حتی حقوقی است. منتقدان هم می گویند حتی اگر اختلاف نظر درباره مذاکره یا سیاست خارجی وجود داشته باشد، نماینده مجلس باید در چارچوب گفت و گو و نقد صحبت کند، نه با ادبیاتی که بوی تهدید و خشونت بدهد. از نگاه رسانه ها چنین حرف هایی نه تنها کمکی به حل مسائل کشور نمی کند بلکه می تواند فضای سیاسی را

به نوعی عامل واشنگتن و گزینه ای نامطلوب برای میانجی گری می داند که بازتاب هایی در رسانه های خارجی هم داشته است. دو نماینده ای که اتفاقاً عضو کمیسیون امنیت ملی هم هستند و منتقدان می گویند اظهارات آنها، اگر بدون هماهنگی با سیاست های کلان کشور مطرح شود، می تواند در روند دیپلماسی اختلال ایجاد کند.

در مجموع، جمع بندی انتقادات رسانه ای این هفته نشان می دهد که مطالبه اصلی، حرکت به سمت گفتار مسئولانه تر از سوی نمایندگان و پرهیز از ادبیات تنش زا در فضای عمومی است. رسانه ها تأکید دارند که نمایندگان مجلس به دلیل جایگاه حقوقی و سیاسی خود، مسئولیت سنگین تری در گفتار دارند و در شرایطی که کشور با مسائل اقتصادی و سیاسی همچنین حساسیت های منطقه ای روبه روست هر جمله ای که از تریبون رسمی یا غیررسمی یک نماینده منتشر می شود، می تواند اثرات داخلی و خارجی داشته باشد. به همین دلیل رسانه ها در این هفته بارها تأکید کرده اند که این نمایندگان در اظهار نظرهایشان باید دقت بیشتری به خرج دهند تا شاید به جای ایجاد تنش، بتوانند کمی هم به تقویت آرامش و انسجام داخلی کمک کنند.

بخش دیگری از انتقادات رسانه ای هم به اظهار نظرهای پراکنده و غیرهماهنگ برخی نمایندگان در حوزه سیاست خارجی مربوط می شود. از علی خضریان، نماینده نزدیک به طیف پایداری که دستور تخلیه برای مهاجران در دویبی صادر می کند تا ابراهیم رضایی، نماینده دیگری که با انتقاد از پاکستان به عنوان اصلی ترین میانجی میان ایران و آمریکا، اسلام آباد را

## جدایی از ترامپ

من همین الان کاری با ایران انجام می‌دهم که دیگر کشورها یا روسا باید مدت‌ها پیش انجام می‌دادند. او همچنین با لحنی تند افزود: «تعجبی ندارد که آلمان از نظر اقتصادی و سایر جهات این قدر ضعیف عمل می‌کند!» در مقابل، صدراعظم آلمان پیش از این اعلام کرده بود که نمی‌داند، آمریکا چه راهبرد خروجی در درگیری با ایران دنبال می‌کند و اوضاع را به‌طور فزاینده‌ای پیچیده توصیف کرد. مرتس همچنین گفت که تمام ملت آمریکا از سوی حاکمیت ایران، به‌ویژه سپاه پاسداران، تحقیر شده و اشاره کرد که ممکن است جایگاه ایران در این درگیری دست‌کم گرفته شده باشد: «ایرانی‌ها به‌وضوح قدرتمندتر از آن چیزی هستند که تصور می‌شد». او افزود که ایرانی‌ها با وجود تنش‌ها «مشخصاً با مهارت بسیار بالایی مذاکره می‌کنند» و به خطرات مین‌گذاری شده در تنگه هرمز اشاره کرد که می‌تواند، پیامدهای جدی برای تأمین انرژی جهانی داشته باشد. این اختلاف تنها به آلمان محدود نمی‌شود؛ رهبران انگلیس، اسپانیا و ایتالیا نیز در روزهای اخیر از سیاست‌های کاخ سفید انتقاد کرده‌اند. کر استارمر، نخست‌وزیر انگلیس، در مجلس عوام با تأکید بر اینکه جنگ ترامپ علیه ایران در راستای منافع ملی کشورش نیست، گفت

آمریکا

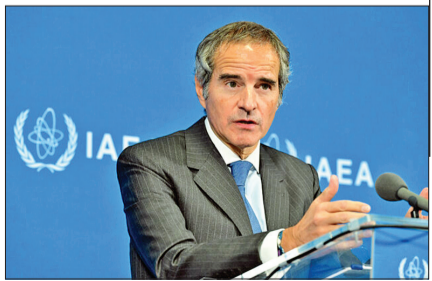


خود را در باتلاق جنگی درازمدت، پرهزینه و بدون افقی برای پایان سریع یافت. این وضعیت، آشکارا با منطق پوپولیستی او در تضاد بود. از سوی دیگر نیاز به جلب حمایت متحدان برای مدیریت بحران تنگه هرمز با اصل شعار «اول آمریکا» در تعارضی بنیادین قرار می‌گرفت؛ شعاری که بر مداخلات محدود، کوتاهمدت و مشروعیت شفاف و بلامنافع تأکید داشت. در چنین بستری، این جنگ نه تنها فاقد اجماع بین‌المللی بود بلکه با تردیدی عمیق از سوی کشورهای اروپایی رویبرو شد و شکاف میان واشنگتن و شمارزی از شرکای غربی‌اش را بیش از پیش ازین آشکار کرد.

انرژی هسته‌ای

### ادعای گروسی درباره اورانیوم ایران درخواست برای بازرسی

«رافائل گروسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مدعی شد که بیشتر ذخایر اورانیوم غنی‌شده با خلوص بالای ایران احتمالاً هنوز در مجتمع غنی‌سازی اتمی اصفهان است. او در ادامه ادعاهای خود گفت که آژانس معتقد است درصد زیادی از اورانیوم غنی‌شده ایران «در ژوئن ۲۰۲۵ زمانی که جنگ ۱۲ روزه آغاز شد، در آنجا ذخیره شده بود و از آن زمان تاکنون همان جا بوده است. ما نتوانسته‌ایم بازرسی کنیم یا این احتمال را رد کنیم که این مواد آنجاست و مهر و موم‌ها-مهر و موم‌های آژانس- همچنان همان‌جا هستند. امیدوارم بتوانیم این کار را انجام دهیم بنابراین آنچه به شما می‌گویم، بهترین تخمین ماست». گروسی به این رسانه گفته که آژانس همچنین می‌خواهد، تأسیسات هسته‌ای ایران در نظرس و فردو را بازرسی کند که طبق ادعای او مقداری مواد هسته‌ای نیز در آنجا وجود دارد. گروسی گفت که آژانس با روسیه و دیگران درباره امکان ارسال اورانیوم غنی‌شده ایران به خارج از کشور گفت‌وگو کرده است. او بیان کرد که «آنچه مهم خواهد بود این است که آن مواد از ایران خارج» یا برای کاهش خلوص مخلوط شود. گروسی با تأکید بر اینکه پرداختن به برنامه هسته‌ای ایران ضرورت دارد بدون در نظر گرفتن اینکه این واشنگتن بوده که با حملات غیرقانونی روند مذاکرات با ایران بر سر حل و فصل برنامه هسته‌ای آن را مختل کرده است، گفت که این کار نیازمند «اراده سیاسی» از جانب تهران است. گروسی گفت رهبران ایران می‌گویند، آماده مذاکره هستند و «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا نیز همین را می‌گوید اما «نقطه ظاهراً مایوس‌کننده برای هر دو طرف این است که به نظر نمی‌رسد به توافق برسند یا دیدگاه مشترکی درباره اینکه اول چه باید کرد یا چگونه انجامش داد، داشته باشند». با این حال، او معتقد است که «نکنه مهم این است که ظاهراً هر دو طرف علاقه دارند به توافق برسند». گروسی گفت که در هر توافق سیاسی میان دو طرف باید بازرسی کامل آژانس از تأسیسات هسته‌ای ایران انجام شود.



بر اینکه ایران در حال شکستن الگوی محاصره مالی- نظامی است، می‌گویند اهداف اعلامی این جنگ دست‌نیافتنی است. و هنوز اثرات اقتصادی جنگ آنچنان به اروپا و سایر نقاط جهان سرایت نکرده و در صورت ادامه روند افزایش قیمت انسرژی و اختلال در بازارهای جهانی می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد جهانی داشته باشد و در صورت تشدید درگیری‌ها، جهان ممکن است با یک بحران اقتصادی بزرگ مواجه شود. در نتیجه ورود آمریکا به جنگی پرهزینه و پیچیده علیه ایران نه تنها معادلات منطقه‌ای را دگرگون کرد بلکه دونالد ترامپ، سیاستمدار خوش‌نام به تصمیم‌های آنی و «معاملات بزرگ»



ابدی است»، روشی دیپلماتیک برای یادآوری تعهدات متقابل و فرآینحی بودن رابطه ویژه بود. چارلز در بخش سیاست خارجی، بدون نام بردن مستقیم از روسیه، دفاع از اوکراین را برای غرب «ضروری» خواند و بر نقش ناتو به‌عنوان هسته امنیت آمریکای شمالی و اروپا تأکید کرد. این موضع، همسو با سیاست رسمی دولت بایدن و نیز دولت بعدی ترامپ در قبال اوکراین نبود اما به دلیل ماهیت غیراجرائی و نمادین سلطنت بریتانیا بیشتر جنبه اعلام همبستگی انرژی داشت تا تعهد عملیاتی خاص. در نهایت، چارلز با اشاره به «اختلافات تنخ ۲۵ سال پیش» و تبدیل آن به «رفاقتی که به یکی از مهم‌ترین اتحادهای تاریخ بشر تبدیل شده»، روایت غالب بر این سفر را بازسازی کرد. او به‌جای پنهان‌سازی تاریخ استقلال، آن را نقطه آغازی برای تحول رابطه به سوی اتحاد معرفی کرد. تأکید پایانی او بر «حاکمیت قانون، عدالت بی‌طرفانه و قوانین پایدار» به‌عنوان پایه‌های رونق اقتصادی، پیامی غیرمستقیم به مخاطبان آمریکایی و بریتانیایی بود که ارزش‌های نهادی و حقوقی، حتی در زمان اختلافات سیاسی رهبران، باید چارچوب رابطه را تعیین کنند. از منظر تحلیلی، این سفر را می‌توان نمونه‌ای از دیپلماسی تشریفاتی دانست که به‌عبرم تنش‌های جاری در سطح دولت‌ها، توانست با استفاده از نمادها، خاطرات مشترک و لحن شخصی‌محور، تصویری از تداوم رابطه ویژه ارائه دهد. با این حال اظهارات منتشرشده از سفیر بریتانیا و فقدان ارجاع مستقیم ترامپ به تنش‌های موجود، نشان می‌دهد که این تصویر هماهنگ، بیش از آنکه بازتاب وضعیت واقعی روابط باشد، نتیجه مدیریت آگاهانه فضا و اولویت‌دهی به مناسبت‌های نمادین بر اختلافات جاری است. به‌عبارت دیگر، سفر چارلز سوم موفق شد، شکاف‌های سیاسی را بیوشاند اما نتوانست آنها را حل کند؛ بلکه بیشتر به‌مثابه یادآوری وجود لایه‌هایی از پیوند تاریخی و فرهنگی عمل کرد که مستقل از دولت‌های متغیر دو سوی ائتلاف باقی می‌مانند.

این است که در این صورت مذاکره در مرحله سوم در مورد هسته‌ای به چه معنی است؟ تنها در صورتی که مذاکره در مورد غنی‌سازی اورانیوم و معمولی ۶۰ درصدی باشد که در مرکز توجه آمریکاست، مذاکرات معنادار و محتوایی می‌تواند شکل بگیرد. در این صورت، اگر ایران پذیرفته باشد بده-بستانانی انجام دهد، کار می‌تواند پیش برود. اما اگر بنا بر این باشد که مطابق برخی گزارش‌ها ایران درباره غنی‌سازی مذاکره نکند، ابهام بزرگی بر روند موجود سایه‌افکن خواهد شد.

تداوم فرهنگ و نزادی به‌جای تأکید بر شکاف سیاسی تاریخی است. چنین روایتی، هرچند از منظر علمی تاریخی محل مناقشه است، اما در چارچوب دیپلماسی عمومی ترامپ، کارکرد آشتی‌جویانه و اتحادساز دارد. نکته قابل‌توجه آن است که ترامپ در طول سخنرانی خود هیچ اشاره مستقیمی به تنش‌های جاری میان واشنگتن و لندن نکرد. این سکوت معنادار در کنار انتشار همزمان فایل صوتی از سوی سفیر بریتانیا در واشنگتن که در آن گفته شده بود «تنها رابطه ویژه ایالات متحده احتمالاً با اسرائیل است و نه بریتانیا» فضای دوباره‌ای را پدید آورده بود. از یک‌سو، دیپلماسی رسمی و تشریفاتی بر تداوم «رابطه ویژه» تأکید داشت و از سوی دیگر اظهارات پشت‌درهای بسته دیپلمات‌ها، حکایت از تغییری واقع‌بینانه در اولویت‌های راهبردی آمریکا داشت. در مقابل، چارلز سوم نیز بی‌توجه به این حاشیه‌ها باقی نماند. او در دیدار خصوصی با ترامپ، با لحنی متقابلاً طنزآلود، به اظهارات پیشین رئیس‌جمهور آمریکا درباره نقش آمریکا در پیروزی اروپا بر آلمان نازی پاسخ داد و گفت: «اگر ما نبودیم، شما به زبان فرانسوی صحبت می‌کردید». این تبادل کلمات، هرچند در ظاهر شوخ‌طبعانه، بیانگر آگاهی دو طرف از حساسیت‌های تاریخی و تلاش برای متوازن کردن روایت‌های یک‌جانبه از تاریخ جنگ جهانی دوم و روابط فرآتلانتیک است.

سرخنرانی



سرخنرانی چارلز در کنگره آمریکا، لحنی جدی‌تر، نهادی‌تر و مبتنی بر ارزش‌های مشترک دموکراتیک داشت. او بدون اشاره مستقیم به اختلافات جاری بر «تعهد به حفظ دموکراسی» و «محافظت از همه مردم در برابر آسیب» تأکید کرد. اشاره او به مادرش، ملکه الیزابت دوم، که در ۱۹۹۱ در همان تالار سخنرانی کرده بود، پیوندی نمادین میان نسل‌های سلطنت بریتانیا و تداوم رابطه با کنگره آمریکا برقرار می‌کرد. همچنین نقل قول چارلز از سخنرانی پیشین ترامپ در بریتانیا که «پیوند خوبشوندی و هویت بین آمریکا و بریتانیا بی‌ظنیر و

هرمز، لغو محاصره دریایی توسط آمریکا باشد، مسأله این است که ایران، امتیاز تنگه را در ازای خاتمه محاصره اقتصادی می‌دهد و به وضعیت قبل از جنگ بازخواهیم گشت. در این صورت معلوم نیست اهرم تنگه هرمز چه وضعیتی خواهد یافت. مسأله سوم، مسأله هسته‌ای است. مذاکره در مورد هسته‌ای خیلی روشن نیست. بعضی گزارش‌ها حاکی از آن است که ایران بنا ندارد درباره غنی‌سازی مذاکره کند. اگر این گزارش‌ها درست باشد، سوال

## سفر پادشاه بریتانیا به آمریکا

پاسخ چارلز به ادعای ترامپ

**گروه بین‌الملل:** در تاریخ معاصر روابط فرآتلانتیک، سفر رسمی ۴ روزه چارلز سوم، پادشاه بریتانیا، به همراه همسرش کامیلا به ایالات متحده رویدادی است که همزمان با دو زمینه معنادار رخ داده است: نخست، بزرگداشت دوست و پنجاهمین سالگرد استقلال آمریکا و دوم، دوره‌ای از تنش‌های سیاسی آشکار میان دولت‌های دونالد ترامپ و کر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا. این سفر از منظر نمادین، دیپلماتیک و تاریخی حامل لایه‌های متعددی از معناست که بررسی بی‌طرفانه آن مستلزم تفکیک گفتار کنشگران از زمینه‌های پنهان و آشکار روابط دوجانبه است. در بدو ورود، دونالد ترامپ در مراسم استقبال رسمی از پادشاه بریتانیا، لحنی به‌شدت دوستانه و توأم با طنز و خاطر‌پردازی شخصی در پیش گرفت. او بریتانیا را «پادشاهی کوچک اما قدرتمند» خواند و با اشاره به لهجه چارلز، آن را مایه حسادت دیگران توصیف کرد. نقل خاطره‌ای از مادر اسکاتلندی‌اش که گفته بود در جوانی «چارلز روی مادرم کراش داشته است» بخشی از سبک غیررسمی و شخصی‌محور ترامپ در دیپلماسی عمومی محسوب می‌شود. این اظهارات، هرچند در ظاهر ساده و حتی کودکانه به‌نظر می‌رسند، در عمل ابزاری برای کاهش تنش‌های پیشین و ایجاد فضای غیررسمی و صمیمانه پیش از مباحث جدی‌تر بوده‌اند.

اما مهم‌ترین بخش سخنرانی ترامپ، تلاش او برای بازتعریف نمادین مراسم بزرگداشت استقلال آمریکا در حضور پادشاه بریتانیا بود. او با آگاهی از طعنه‌آمیز به نظر رسیدن تجلیل از پادشاه بریتانیا در جشن استقلال از همان کشور، این اقدام را نه‌تنها نامناسب ندانست بلکه آن را «مناسب‌ترین ادای احترام» توصیف کرد. استدلال او بر این پایه بود که آمریکایی‌های انقلابی ۱۷۷۶ «با شجاعت آنگلو ساکسون و ایمان انگلیسی» جنگیدند. این رویکرد، که ریشه‌های استقلال را نه در گسست از هویت بریتانیایی، بلکه در تداوم ارزش‌های موسوم به آنگلو ساکسون بازتعریف می‌کند، تلاشی آشکار برای برجسته‌سازی

ادامه یادداشت روز

## سرنوشت پیشنهاد ایران

ایران که پیش‌تر در مواضع اعلامی خود گفته بود، آمریکا باید از منطقه خارج شود، نمی‌تواند درباره وضعیت تنگه هرمز با آمریکا وارد مذاکره شود. از طرف دیگر به نظر نمی‌رسد، آمریکا امتیاز قابل‌توجهی در مورد اداره تنگه توسط ایران بدهد. اگر پیش‌شرط بازگشایی تنگه

## خاموشی چراغ شعر

توقف بی دلیل فعالیت خانه شاعران ایران

منابع آگاه از توقف فعالیت «خانه شاعران ایران» خبر می‌دهند. تشکل غیردولتی «انجمن شاعران ایران» دهه ۶۰ ایجاد و سال ۱۳۷۸ صاحب اساس نامه شد و به همت جمعی از شاعران انقلابی، اعلام موجودیت کرد. با وجود سابقه طولانی و بانیان صاحب‌نام در شکل‌گیری این نهاد فرهنگی، به گزارش اینها از چند ماه قبل و پاییز سال گذشته، خبرهایی از بروز مسائل و توقف فعالیت‌های این خانه دریافت می‌شود.

براساس توافق اسفند سال ۱۳۷۹ بین مسئولان «انجمن شاعران ایران» و مدیریت وقت شهرداری تهران، فعالیت رسمی «خانه شاعران ایران» در خیابان شهید کلاهدوز آغاز شد. از آن تاریخ تاکنون، دفتر شعر جوان که دارای مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، کنار انجمن شاعران ایران و در این مکان که به خانه شاعران ایران معروف است، فعالیت دارد.

طی بیش از ۳ دهه، این توافق با مدیران وقت شهرداری تمدید می‌شد و براساس تصمیم نمایندگان دوره پنجم شورای اسلامی شهر تهران، انجمن می‌تواند تا سال ۱۴۰۸، در همین ساختمان به فعالیت خود ادامه دهد. با وجود مهلت قانونی، شنیده‌ها از استقرار برخی افراد و ایجاد مانع برای تداوم فعالیت‌های روزانه انجمن خبر می‌دهد. علاوه بر این، فعالیت «کافه کارین» که با توافق مسئولان وقت شهرداری و با هدف درآمدزایی برای اداره امور خانه شاعران ایران در داخل خانه ایجاد شده بود نیز تعطیل شده است. این کافه، تنها منبع درآمد دو نهاد فرهنگی خانه شاعران ایران به حساب می‌آمد؛ بسته شدن کافه، نشانه دیگری در تصمیم توقف کامل فعالیت خانه به نظر می‌رسد.

اقداماتی که از چند ماه قبل آغاز شده و در نهایت از ابتدای جنگ رمضان، یعنی اسفند، خانه وضعیت تعطیلی به خود گرفته است. هم‌چنین برخی شرکت‌کنندگان در «حلقه مهر شاعران ایران» از توقف نشست‌های این حلقه به عمر بیش از ۳ دهه، خبر می‌دهند. این نشست‌ها بی‌وقفه، هر پنج‌شنبه با تدریس و مدیریت ساعد باقری با حضور علاقه‌مندان، بسیار پرشور برپا می‌شد.

برگزاری سالانه کنگره با همکاری دفتر شعر جوان، برپایی نشست‌های نقد و بررسی شعر، برگزاری کنگره هزاروپانصدمین سالروز میلاد حضرت رسول (ص) با حضور شاعران شناخته شده کشور و کنگره بین‌المللی شعر، با موضوع حرکت فرهنگی امام حسین (ع)، انتشار سالانه فراخوان شعر، با هدف شناسایی شاعران جوان کشور از دیگر فعالیت‌های انجمن بوده است. برگزاری منظم دوره‌های آموزشی «ادبیات کلاسیک عرفانی» آموزش شعر، آموزش شیوه‌های شعرخوانی شعر کلاسیک و معاصر ایران، از دیگر فعالیت‌های فرهنگی این تشکل در چند سال اخیر، به شمار می‌رود. در طول این سال‌ها انتشارات انجمن شاعران ایران نیز، علاوه بر چاپ کتاب‌های شعر و درباره شعر در حوزه معرفی شعر ایران به جهان و شعر جهان به ایران، فعالیت مستمر داشته که حاصل آن انتشار بیش از ۳۰ عنوان کتاب دو زبانه است. آثاری که از سوی موسسه فرهنگی اکو مورد تقدیر و تشویق قرار گرفت. در حالی که سال‌هاست، این نهاد فرهنگی از سوی نهادهای فرهنگی و شهرداری تهران، کمک مالی نداشته است.

با توجه به وجود قرارداد قانونی بین انجمن شاعران ایران و شهرداری تهران که سال ۱۳۷۹ با مجوز شهردار وقت تهران و با شرط تداوم برنامه‌های فرهنگی، فعالیت‌ها در ساختمان آغاز شد و با توجه به استقبال بسیار و استفاده علاقه‌مندان به ویژه شاعران جوان کشور همراه بوده، مطالبه اصلی شاعران شرکت‌کننده در جلسات حلقه مهر و آینه و دیگر نشست‌های شعری انجمن شاعران ایران، توجه به قانون، از سوی شهرداری تهران، برای ادامه حضور شاعران، ادامه فعالیت خانه شاعران ایران و دفتر شعر جوان، تا پایان زمان مقرر است؛ تأکیدی براساس قانون. پیگیری‌های خیرگزاری اینها برای دریافت پاسخ از مسئولان شهرداری تاکنون بی‌نتیجه مانده است.

توقف فعالیت خانه شاعران یادآور تعطیلی خانه اندیشمندان علوم انسانی است که مردادسال گذشته اتفاق افتاد. در آن زمان با وجود حمایت ریاست جمهوری، اعضای دولت و شورای شهر تهران از ادامه فعالیت خانه اندیشمندان علوم انسانی در ساختمان خیابان ورشو، شهرداری تهران با حضور میدانی و تعویض قفل اتاق‌ها، اقدام به مستقرسازی نیروهای خود کرد و باید منتظر ماند و دید آیا درباره خانه شاعران هم این ماجرا تکرار می‌شود یا نه.



# تنفس در هوای مقاومت

روایت ریم الوری می شاعر تونسی از شعری که برای ایران گفت و سفرش به تهران

با ابوالقاسم شابی یکی از شاعران معروف تونس و شعرش مانوس هستم و شب و روز شعرش را می‌خوانم.»

### خواب سیدحسین و سیدعلی

او در ادامه درباره اولین شعری که در حوزه مقاومت سروده گفت: «وقتی سیدحسین نصرالله به شهادت رسیدند احساس کردم محور مقاومت تمام شد. خیلی احساس ناراحتی داشتم مخصوصاً به خاطر فعالیت‌های حزب‌الله و لسی چون ارتباط روحی قوی‌ای با حضرت فاطمه (س) داشتم، به ایشان توسل کردم. انگار برگشتم که آن هم به خاطر صحبت‌های سیدحسین بود که همیشه به رهبر انقلاب ارجاع می‌داد، در حقیقت علمدار پرچم مقاومت را رهبر انقلاب می‌دانستیم بنابراین بعد از مدتی توانستم خودم را بازیابی کنم. زمانی که رهبر عظیم‌الشان انقلاب شهید شدند، نمی‌توانم بگویم چه حسی داشتم و آن روز چه به من گذشت؛ آن قدر روز بدی بود که شاید بگویم خون گریه کردم. همان شب که خوابیدم، خوابی دیدم که این خواب را جایی نگفتم. خواب دیدم دارم به سمت آسمان می‌روم و همان‌طور که به سمت آسمان می‌روم به یک قصر شیشه‌ای می‌روم. زمانی که وارد قصر شیشه‌ای شدم، میز بزرگی آنجا بود. یک سمت میز بزرگ سیدحسین نصرالله بود و سمت دیگرش رهبر انقلاب ایستاده بود. روی این میز دریایی بود و در دریا زمین. دست رهبر انقلاب عصا بود. او عصا را به این دریا زد و زمین دو تکه و از هم باز شد و بعد رویش سبز شد. همان موقع، این خواب را که دیدم متوجه شدم ایشان از میدان معرکه ظاهری در دنیا به میدان معرکه باطنی رفته و آن‌جا هم علم‌دار و هادی این مسیر است و اگر حتی ایشان را از دست داده‌ایم، این مسیر بدون مدیریت ایشان نخواهد بود. زمانی که از خواب بیدار شدم توانستم کمی خودم را جمع کنم، فکر را

که چیزی از روح کسی دمیده می‌شود و بیرون می‌آید طبعاً با روح دیگران ارتباط می‌گیرد. همان‌طور که در احادیث مختلف از پیامبر داریم روح افراد و انسان‌ها با هم متصل است و من این اتصال را احساس می‌کردم. زمانی که شعر را می‌خواندم احساس خوشبختی و خوشحالی داشتم و هم‌زمان اشک در چشم‌هایم جمع شده بود. احساس می‌کردم ممکن است قلبم از این شوق و احساس شادی منفجر شود و طبیعتاً این احساس را با خود حمل کردم.» ریم الوری درخصوص تعریفش از شعر مقاومت و میزان آشنایی‌اش با شعر مقاومت ایران می‌گوید: «اساساً شعر باید پیشینه‌ای داشته باشد تا بشود از آن استعاره و تعبیرهای جانبی هم برداشت کرد، طبیعتاً شعر مقاومت هم همین‌طور است. پیشینه شعر مقاومت از جایی می‌آید که بتوان به خدا و مسیر حق و به راه خدا متصل شد. اولین بار است که درباره مقاومت می‌نویسم ولی قبل از آن اشعاری در رابطه با عشق الهی و خدا نوشتم که احساس می‌کنم نوشته‌هایم درباره عشق الهی نوعی از مقاومت است در برابر شیطان؛ یعنی مقاومت درونی است. فرقی بین مقاومت در برابر نفس اماره و مقاومت در برابر استکبار نیست. در واقع در ابتدا باید بتوانیم در برابر شیطان به صورت فردی بایستیم تا بعد بتوانیم در برابر استکبار بایستیم. من تا قبل از این، از مقاومتی می‌نوشتم که ما را به خدا برمی‌گرداند و به خدا می‌رساند. می‌شود گفت از طریق مقاومت در برابر شیطان به مقاومت رسیدم که در ادبیات ما مقاومت در برابر استکبار معروف و مرسوم است. همه آن‌ها، قصه رشد و قصه هویت ماست، همه آن‌ها برخاسته از پیشینه اصلی است که ما را به خدا می‌رساند و حتی این مقاومت در نهایت برای این است که ما به سوی خدا برگردیم. کسی را در حوزه شعر مقاومت در ایران نمی‌شناسم و با آن‌ها دیداری نداشتم اما

ریم الوری، شاعر تونسی با شعر «خزونی اُنشد فی شوارع طهران» که در پی تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران و شهادت رهبر انقلاب سروده بود در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی ایران مطرح شد. او در شعرش خواسته به خیابان‌های تهران بیاید و با حضور در میدان شعر بخواند. ریم الوری این هفته با دعوت حوزه هنری به تهران آمد و در خیابان انقلاب شعر «خزونی» را برای مردم خواند.

### پیوند روحی با مردم ایران

ریم الوری در گفت‌وگو با ایسنا با تمجید از استقامت مردم ایران، درباره علت سفرش به ایران گفت: «زمانی که در تونس بودیم به خاطر بعد مسافت خیلی احساس دل‌تنگی می‌کردیم که همراه ملت ایران باشیم اما حالا در میان ملت ایران هستیم. اول از همه احساس افتخار و خوشحالی می‌کنم، احساس این‌که با ملت ایران یک‌دل شدم و جزوی از آن‌ها هستم تا ضد آمریکا و ضد استکبار و ضد رژیم صهیونیستی تکبیر بگویم، همان‌طور که آن‌ها در طول این مدت در خیابان‌ها بودند و حالا توانستم همراهشان باشم. فکر می‌کردم باید پیام ایران را حمایت از ملت ایران نشان دهم و از آن‌ها دفاع کنم اما زمانی که آمدم ایران دیدم کسی که دارد از ما حمایت می‌کند، ملت ایران است. آن‌ها هستند که ما را پشتیبانی می‌کنند. در واقع حضور و مقاومت‌شان یک حمایت بزرگ است.» او درباره حس و حال شعرخوانی در میان تجمع میدان انقلاب گفت: «زمانی که شعر را می‌خواندم، چشمم به مردم بود و افراد را نگاه می‌کردم که همه داشتند لیخن می‌زدند، نه فقط با چشم‌هایشان. ما از طریق روح‌مان با یکدیگر ارتباط برقرار کردیم. این را احساس می‌کردم زیرا شعر برآمده از روح است و زمانی

### گفت‌وگو: سینیما ایران

## ستاره‌ها نیامدند

گفت‌وگو با محمد جواد موحد، تهیه‌کننده فیلم تاکسیدرمی

رشته، کاندیدا شد اما نقد منتقدان و حتی مخاطبان ما را به این نتیجه رساند که تغییراتی بدیم و این کار را هم انجام دادیم. فیلمی که امروز در اکران است، نسبت به اکران جشنواره، یک نسخه جدید و کاملاً متفاوت است؛ از نظر خط روایت و حتی دقیق فیلم. یک بخش‌هایی در زمینه فیلمنامه کم و زیاد شده است. در حقیقت آن اتفاقی که در جشنواره افتاد، باعث شد که ما نسخه بهتری را برای نمایش عمومی آماده کنیم.



فرزین محدث، یکی از بازیگران فیلم در گفت‌وگو با سازندگی گفت که تمام صحنه‌های بازی او حذف شده است؟ می‌توانید دلیل این موضوع را بگویید؟

در بازخوردهایی که از فیلم گرفته بودیم، کار را تدوین مجدد کردیم و حدود ۵ ماه درگیر تدوین تازه کار بودیم. در تدوین جدیدی که انجام شد، سعی کردیم یکی از نقدهایی را که جدی بود، در نظر بگیریم. ماجرا این بود؛ بعد از اکران جشنواره خیلی روی این موضوع تأکید می‌شد که فانتزی فیلم زیاد است. در فیلم اولیه شخصیتی با گریم و کاراکتر متفاوتی بود که فرزین محدث عزیز آن را بازی می‌کرد. از راه‌هایی که برای کم کردن آن میزان بالای فانتزی از فیلم وجود داشت، کم‌رنگ کردن شخصیتی بود که فرزین محدث بازی می‌کرد و ما در نهایت بین حذف و کم‌رنگ کردن و لطمه دیدن میزان تأثیرگذاری کاراکتر در فیلم، به این نتیجه رسیدیم که آن شخصیت را حذف کنیم.

فیلم به داستانی تاریخی می‌پردازد. چقدر این داستان بر پایه واقعیت است؟ و چرا چنین داستانی ساختید؟

این موضوع بحث مفصلی می‌طلبد ولی اگر بخواهم خیلی مختصر و خلاصه ماجرا را توضیح بدهم، باید بگویم بیش از ۸۰، ۹۰ درصد فیلم براساس واقعیت است. اینکه در کتاب مقدس نام گوزن زرد ایرانی آمده، واقعیت است و اسرائیلی‌ها این دو حیوان را می‌خواستند. در کتاب مقدس دو حیوان نام‌شان آمده که زیست‌بومشان در ایران است؛ یکی گوزن ایرانی است که در سال ۴۷-۴۸ محمدرضا پهلوی در رأس آن را به اسرائیل هدیه داد و دیگری هم گوزن زرد ایرانی است که به همین شیوه که در فیلم هست، دو مأمور امنیتی اسرائیل برای مدتی به ایران آمدند و یکی دو ماه مانده به انقلاب در سال ۵۷ با کمک عبدالرضا پهلوی آن دو قلابه از این حیوان را خارج کردند. عبدالرضا پهلوی یک شکارگاه سلطنتی داشت به نام دشت‌ناز ساری و اسم آن را از روی اسم دخترش سروناز، انتخاب کرده بود. اصل ماجرا واقعی است. درباره اینکه چرا این فیلم را ساختیم، باید بگویم ایده اولیه این بود که اساساً بتوانیم به پهلوی به شکل کم‌دی بپردازیم. از سال ۱۴۰۱ به‌خاطر اتفاقاتی که دیدیم در جامعه می‌افتد که هم به‌خاطر شرایط و سختی‌ها بود و هم اینکه شاید خیلی از عزیزان

سینیما ایران روزهای پررونق و پر فروغی را پشت‌سر نمی‌گذارد اما نمی‌توان آثار مخرب حوادث بزرگی مانند دو جنگ اخیر را بر این صنعت پرهزینه و پرجمعیت، نادیده گرفت. با این وجود، سینیما ایران در حالی سال جدید را آغاز کرد که عملاً تمام مشاغل به دلیل جنگ تعطیل شده بودند و از این نظر یکی از عجیب‌ترین و کم‌مقرتین، اکران‌های نوروزی را سپری کرد. با این حال، اکران دو فیلم کم‌دی در ابتدای اردیبهشت‌ماه به بیان آمار، توانست تا حدودی چراغ‌های خاموش سینیما را روشن کند. یکی از این فیلم‌های کم‌دی که توانست با کشاندن مخاطب به سینیما، سالن‌های خواب‌گرفته را کمی بیدار کند، فیلم «تاکسیدرمی» به کارگردانی محمد پایدار و به تهیه‌کنندگی محمدجواد موحد است. تاکسیدرمی براساس یک داستان تاریخی، آخرین ماه‌های پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷ را روایت می‌کند. داستانی که یک ماجرای محیط‌زیستی را در شرایط آخرین روزهای حکومت پهلوی و از دنیای یکی از اعضای این خانواده روایت می‌کند. با محمدجواد موحد، تهیه‌کننده «تاکسیدرمی»، به بهانه اکران این فیلم در روزهای خاص کشور، گفت‌وگو کردیم که متن این مصاحبه را می‌خوانید:

«تاکسیدرمی» درست در اوج رکود سینما و شرایط درگیری کشور با جنگ اکران شد. نظرتان در این رابطه چیست و تا امروز استقبال چطور بوده است؟

فیلم تاکسیدرمی قرار بود در عید نوروز اکران شود اما با توجه به شرایط جنگ و اتفاقاتی که برای کشور افتاد، اکران آن به این زمان موکول شد. انگیزه ما این بود یک فیلم کم‌دی که حرفی هم برای گفتن دارد را در این شرایط اکران کنیم. فکر می‌کردیم حال‌وهوای مردم طوری است که ممکن است نیاز به چنین آتسمسرفی داشته باشند. بتوانند فیلمی بانمک ببینند و فضای مفرح داشته باشند و همان‌طور که گفتیم در این شرایط به آن نیاز داشته باشند. با توجه به اینکه این فیلم محتوا و مسأله تاریخی داشت، تلاش کردیم زودتر به اکران برسانیم، شاید بتواند تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.

فیلم در جشنواره فجر اخیر، در چند مورد نامزد شد اما نظر منتقدان را جلب نکرد. این موضوع به‌عنوان تهیه‌کننده فیلم چقدر برایتان اهمیت دارد؟

وقتی ما فیلم را با آقای پایدار که فیلم اولشان بود، ساختیم، می‌دانستیم که یکسری ریسک‌ها را انجام می‌دهیم. یک بعد مسأله تاریخی داستان فیلم بود که برای ما اهمیت زیادی داشت. از طرف دیگر واقعیت این است که در سینیما ایران ژانر فانتزی-کم‌دی خیلی تولید نمی‌شود و اندک نمونه‌هایی را مثل فیلم «قانون مورفی» می‌توان در این ژانر نام برد و به همین خاطر است که مخاطب ایرانی خیلی به دیدن این گونه فیلم‌ها عادت ندارد. با وجود آنکه فیلم در جشنواره فجر که در ۴-۵

گزارش: موسیقی جهان

## کنسرت سه‌بعدی بیلی آیلش

### همکاری سوپرستار موسیقی و جیمز کامرون کارگردان تایتانیک و آواتار

بیلی آیلش، سوپرستار موسیقی و جیمز کامرون کارگردان سرشناس، برای ساخت یک فیلم کنسرتی سه‌بعدی جدید با هم همکاری کرده‌اند؛ فیلمی که اجراهای او در منجستر در سال گذشته را ثبت می‌کند. کامرون، خالق فیلم‌هایی مانند «تایتانیک» و «آواتار»، اجرای آیلش را طی چهار شب در سالن «کو-آپ لایو» و در جریان تور «بزن سخت و نرم: تور»، بزرگ‌ترین تور او تا امروز، فیلمبرداری کرده است. حاصل کار، تجربه‌ای هیجان‌انگیز و سرشار از حس است؛ ادای احترامی ویژه به طرفداران پرشور آیلش که اغلب در طول اجراها اشک می‌ریزند.

آیلش در گفت‌وگویی در مراسم افتتاحیه فیلم در لندن گفت: «طرفداران منجستر یکی از محبوب‌ترین تماشاگران من هستند... من واقعاً عاشق منجستر» . بسیاری از همین طرفداران برای مراسم فرش آبی سه‌شنبه در میدان «لستر اسکوتر» به لندن آمده بودند و برای دیدن او از پنجره‌ها آویزان شده و بالکن‌ها را پر کرده بودند. وقتی جمعیت با ورود آیلش، با فریادهای کرکننده‌ای منفجر شد، کامرون باخنده گفت: «برای من که این کار را نکردند!»

برای آیلش ۲۴ ساله و کامرون ۷۱ ساله، این پروژه تجربه‌ای منحصر به فرد بوده است. ایده فیلم پس از پیشنهادی از سوی همسر کامرون، سوزی، شکل گرفت که از طریق فعالیت‌های محیط‌زیستی با مادر آیلش، مگی بیرد، آشناست. آیلش توضیح داد: «جیمز کامرون برایم ایمیل زد و پرسید آیا علاقه دارم یک فیلم سه‌بعدی از کنسرتم بسازیم؟ من هرگز به چنین چیزی فکر نکرده بودم؛ ایده فوق‌العاده‌ای بود».

در این فیلم، از فناوری جدیدی شامل دوربین‌های کوچک سه‌بعدی استفاده شده تا نماهایی بسیار نزدیک از آیلش روی صحنه ثبت شود. در لحظات پرانرژی‌تر، وقتی او از یک سوی صحنه به سوی دیگری می‌دود، فیلمبردار باید با زحمت او را دنبال می‌کرد. کامرون گفت: «به بیلی گفتمم اگر مزاحمت شد، از روش رد شو و او همین کار را کرد!»

به گفته کامرون، طرفداران آیلش نیز در این فیلم نقش یک شخصیت مستقل را دارند. حتی در مراسم افتتاحیه، برخی از شدت هیجان نمی‌توانستند صحبت کنند. یکی از آنها گفت: «این شادترین روز زندگی من است».

در طول فیلم، طرفداران توضیح می‌دهند که چگونه موسیقی آیلش باعث شده احساس پذیرش، امنیت و دیده‌شدن داشته باشند، به‌ویژه در زمان‌های سخت. آیلش حتی در کنسرت‌ها برای دیدن طرفدارانی که ساعت‌ها در صف مانده‌اند، از پنجره برایشان دست تکان می‌دهد. او در مراسم افتتاحیه هم همین کار را کرد؛ با طرفداران عکس گرفت، امضا داد و حتی دوباره به‌طور غافلگیرکننده پشت پنجره سینما ظاهر شد و موجی از فریادها را به‌راه انداخت. آیلش در فیلم به کامرون می‌گوید: «می‌خواهم هنرمندی باشم که خودم هم طرفدارش می‌شوم»، و در عین حال دستان خراشیده‌اش را نشان می‌دهد، خراش‌هایی که از تماس مشتاقانه طرفداران به‌جا مانده‌اند. کامرون می‌گوید شاید آیلش سعی کرده در اولین دیدارشان هیجان‌اش را پنهان کند، اما خودش اصلاً چنین نکرده و از همان ابتدا یک طرفدار دوآتیشه بوده است. آیلش نیز گفت: «کار کردن با او از خیلی جهات جادویی بود. او کمک کرد به این پروژه به چشم یک فیلم نگاه کنم، نه فقط یک اجرای زنده».

کامرون معتقد است این تجربه شاید حتی از دیدن کنسرت زنده هم بهتر باشد: «چون ما می‌توانیم شما را به‌جایی ببریم که در واقعیت نمی‌توانید بروید، و پشت صحنه آماده شدن او، گرم کردن صدا و گرمی را هم نشان دهیم». با این حال، او معتقد نیست فیلم‌های سه‌بعدی به استاندارد جدید کنسرت‌ها تبدیل شوند، اما تأکید می‌کند: «این یادآوری خوبی است که اجرای واقعی موسیقی چقدر مهم است»، به‌ویژه «در عصر هوش مصنوعی که همیشه نمی‌داند آنچه می‌بینید واقعی است یا نه». و در باره لحظه ایرال‌شده آیلش با جاستین بیلر در جشنواره کوچلا؟ او هنوز در شوک است. آیلش در این باره گفت: «آن لحظه برای من خیلی مقدس بود؛ احساسی که سخت می‌توان توصیفش کرد». در این اجرا، بیلر او را روی صحنه آورد و آهنگ «یک دختر کمتر تنها» را برایش خواند، لحظه‌ای که برای آیلش، که از کودکی طرفدار پر و پا قرص او بوده، بسیار احساسی بود. این اتفاق با هماهنگی همسر بیلر، هیلپی، رخ داد. او افزود: «من عاشق هیلپی‌ام، او همه چیز را هماهنگ کرد و جاستین هم لطف داشت که این اتفاق بیفتد. او واقعاً آنگوی من است». در مورد آلبوم چهارم خود، آیلش فعلاً حرف زیادی نزد و با لیخندی شیفت‌آمیز گفت: «نمی‌دانم... باید ببینیم». فیلم «بیلی آیلش: تور اجرای زنده سه‌بعدی» قرار است در ۷ مه ۲۰۲۶ (۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۵) اکران شود.



فلسطین زنده است، باید در خاطره جمعی بماند گرچه دردناک است.»

### زیور و شدن زندگی

این شاعر تونس‌ی درباره سفر نخستش به ایران و زیارت حرم امام رضا (ع) و این‌که این سفر چگونه زندگی‌اش را دچار تحول کرد، می‌گوید: «مدت‌ها درباره سفرم و تشیع تحقیق کردم و متوجه شدم تاکنون با یک سلسله دروغ‌ها مواجه بودم. طبیعتاً در تحقیقات جدید با حقیقت‌های جدید روبه‌رو شدم که این حقیقت‌ها ممکن است تأثیرات مختلفی در زندگی من داشته باشد. زمانی که به مشهد آمدم، فقط به یک سفر معمولی نیامده بودم، در واقع نتیجه تحقیق چهار پنج‌ساله بود، آمدن تا از نزدیک تحقیقات میدانی انجام دهم. قبل از این‌که درباره تشیع و اهل بیت شروع به تحقیق کنم درباره شریعت‌های چهارگانه اهل تسنن خیلی تحقیق و مطالعه داشتم. حتی اجازه روایت حدیث و اجازه تفسیر قرآن هم داشتم، مدت‌ها گذشت و این تحقیقات را انجام دادم و متوجه شدم نصف چیزهایی که خوانده بودم در حقیقت قابل استناد نیست و غیر قابل قبول است. زمانی که شروع کردم تا با تشیع آشنا شوم، به این نتیجه رسیدم تا حسم نسبت به مذهب شیعه را از خود اهل بیت بگیرم، نه این‌که در کتابی پیدا کنم. می‌خواستم با خودشان ارتباط بگیرم نه به این معنا که با مراجع ارتباط بگیرم یا با افراد خاصی صحبت کنم تا تشیع را درک کنم، می‌خواستم به زیارت اهل بیت بیایم تا نوری به قلب من بتابد. زمانی که به مشهد و زیارت امام‌رضا(ع) رفتم متوجه شدم، امام رضا باب ورودی است برای شناخت همه آنمه و بعد از این سفر زندگی‌ام زیور و شدن شد. هر چیزی که یک زن ممکن است در طول زندگی‌اش به عنوان سرمایه داشته باشد از خانه و خانواده و همسر و شغل و بچه همه چیز را از دست دادم. بعد متوجه شدم مذهب شیعه خیلی متعالی‌تر از یک مذهب است. در واقع نوری است که از سمت اهل بیت آمده است. بین همه کسانی که اهل تشیع بودند، این نور را در رهبر معظم پیدا کردم و متوجه شدم ایشان با استفاده از این نور اهل بیت سعی داشتند ملت ایران را به رشد و تعالی روحانی برسانند و در مکتب فکری خود آن‌ها رایتبیت کنند.»



می‌سازد. زمانی که از خاطرات جمعی صحبت می‌کنیم، شعر چیزی است که وارد خاطره جمعی می‌شود و آن را لمس می‌کند و خاطره جمعی را می‌شناسد و زمانی که سروده می‌شود در ذهن افراد رسوخ می‌کند، حتی خود شعر می‌تواند در ساخت خاطره جمعی مشارکت داشته باشد و آگاهی جمعی برای امت‌ها ایجاد کند و این فقط برای مردم فلسطین نیست، فقط برای محور مقاومت نیست بلکه برای قدرت دادن و انتقال احساس درد جمعی است، تصویر ذلت و ترسی است که در رهبران کشورهای عربی در طول سال‌ها بوده و شعر این راه روایت می‌کند و باعث می‌شود دردی را که ملت‌ها به آن دچار بودند، دوباره احساس کنند و درد درون‌شان زنده شود. در واقع ترسی که ملت‌ها از رهبران‌شان داشتند باعث شده تا مقاومت و خاطره جمعی را در طول زمان فراموش کنند اما شعر مقاومت آن را زنده می‌کند، شعر مقاومت خاطره جمعی را یادآوری می‌کند و نشان می‌دهد مقاومت هنوز تمام نشده و تا زمانی که آرمان

جمع کم اما هم‌چنان احساس می‌کردم خاطره‌ای که ذهن مردم را از لحاظ نورولوژی زبان، خصوصاً با اسم خامنه‌ای، مکتب خامنه‌ای و مکتب مقاومت کنونی وصل می‌کرد از بین رفت. در واقع احساس می‌کردم با از دست دادن ایشان، ممکن است خاطره جمعی مردم را از دست بدهیم و نمی‌دانیم چه اتفاقاتی در آینده بیفتد. اما روزی که تلفظ را باز کردم و دیدم رهبر کنونی، وارث خلف رهبر انقلاب شدند و آقای سید مجتبی انتخاب شدند، خیلی خوشحال شدم. واقعاً روحم داشت پرواز می‌کرد. خوشحال شدم که نام خامنه‌ای بر روی این مکتب باقی ماند و این مکتب ادامه خواهد داشت و تصویر ذهنی مردم از بین نخواهد رفت. گوشی‌ام را باز کردم تا در فیسبوک بیانه‌ای بنویسم، فقط می‌خواستم بنویسم اما زمانی که شروع کردم به نوشتن، این نوشته به قصیده‌ای تبدیل شد که شنیدید.» ریم الوری درباره تأثیر شعر بر حافظه جمعی معتقد است: «شعر در حقیقت تصویر واضحی از آرمان‌هایی که هر امتی دارد

فیلمنامه نسید. سراخ بازیگران دیگر هم رفته‌ام اما در نهایت معتقدم که خیلی از مخاطبان سینمای ایران، رابطه و احساس بسیار خوبی نسبت به مجید صالحی، حسن معجونی، بیژن بنفشه‌خواه و هادی کاظمی دارند و از این موضوع راضی هستیم.

کشور در شرایط خاصی است و برخی از اهالی سینما معتقدند این صنعت لطافت زیادی دیده است. نظر شما چیست؟ چه باید کرد؟

کشور واقعاً در یکی از عجیب‌ترین و حساس‌ترین نقاط تاریخی خود در ۲۰ سال اخیر قرار گرفته است. در لحظاتی هستیم که آمریکا به‌عنوان ابرقدرت دنیا، با کمک یک نیروی وحشی! قلابه پاره کرده، تصمیم گرفته خاورمیانه را به شکلی که دوست دارد، عوض کند. آنها می‌دانستند که مهم‌ترین کسی که در برابر نقشه خاورمیانه جدیدشان! خواهد ایستاد، ایران است. در چنین فضایی به کشور ما حمله کردند. این واقعیت است که از نظر نظامی و اقتصادی توازن وجود ندارد اما مردم ایران با ایستادن پای کار کشورشان، برابر قدرتمندترین قدرت نظامی جهان ایستادند. درباره سینما هم، شرایط خاص است اما لزوماً نابسامانی سینما ربطی به جنگ ندارد، هرچند لطمه دیده است. در ۱۰ سال اخیر کشور، به دلایل مختلفی از جمله سلیقه‌ای که ما سینماگران برای مردم ایجاد کردیم، به‌واسطه کیفیت فیلم‌ها، به دلیل عدم دسترسی همه هشتاد و اندی میلیون ایرانی به سینما و مشکلات اقتصادی، سینما لطمه دیده و این موضوع در دوران کرونا و سپس جنگ ۱۲ روزه و امروز به‌خاطر جنگ اخیر رمضان، به اوج خود رسیده است.

\*چه سرنوشتی برای تاکسیدرمی در گیشه متصورید؟ امیدوارم مردم با سینما آشنی کنند. خوشبختانه فیلم قبلی‌ام، بساخ کیانوش مخاطب قابل‌توجهی را به‌خصوص در فضای کودک و نوجوان به سینما آورد. وقتی فیلمی می‌فروشد و مخاطب میلیونی جذب می‌کند، عوامل انرژی مثبت زیادی می‌گیرند. امیدوارم این اتفاق برای فیلم‌های تاکسیدرمی و آنتیک که در این شرایط اکران شده‌اند هم رخ بدهد. امیدوارم تاکسیدرمی مورد اقبال قرار بگیرد، البته فقط امیدوارم چون شرایط طوری است که نمی‌توان پیش‌بینی کرد. ممکن است این دو فیلم «تاکسیدرمی و آنتیک» قربانی زنده کردن سینما شوند، ممکن است اتفاق ویژه‌تری بیفتد اما من نمی‌توانم پیش‌بینی کنم.

در حال حاضر چه کارهایی در دست تولید دارید؟ این روزها درگیر یک سریال کمدی برای تلویزیون هستیم که تولید آن قبل از جنگ آغاز شده و مدتی تعطیل بود. الان حوصل و حوش ۱۰ روزه هست کار را مجدداً شروع کرده‌ام و به‌زودی اخبارش را در اختیار رسانه‌ها قرار می‌دهیم. در حین جنگ هم سریالی را با مؤسسه اوج کار کردیم به‌نام «سبب سفید سرخ». این سریال در ۱۴ قسمت با ۱۴ کارگردان متفاوت برای شبکه یک ساخته شد که بازخوردهای مثبتی هم گرفت.

کمتر تاریخ خوانده و در جریان تاریخ نبودند و ماجرای رابطه با اینکه پهلوی برگردد، دارد رقم می‌خورد، تلاش کردیم یک فیلم از یکی از وقایع دوران پهلوی و خیانت‌های آنها به کشور بسازیم. باتوجه به اینکه فضای کمدی در کشور مطرح بود، علاقه‌مند بودیم که فیلم مخاطب زیاد بگیرد و آن را براساس داستان واقعی طراحی کردیم. در بین قصه‌هایی که دیدیم، این یکی جذاب‌تر بود، چراکه قصه به ما ویژگی‌هایی می‌داد که می‌توانستیم روایت جدیدی از دوران پهلوی داشته باشیم که نتایج‌اش تاکسیدرمی شد.

فیلم با وجود حضور بازیگران سرشناس اما نسبت به دیگر کمدی‌های پر فروش، از ستاره‌های پولساز همیشه‌گرمی کمتر بهره برده است. درباره انتخاب بازیگران کار بگوئید.

ما در شرایط سختی بازیگران این فیلم را انتخاب کردیم، چراکه خیلی از بازیگران به دلایل مختلف کمی از اینکه وارد پروژه‌های حساس شوند، می‌ترسند. به‌خصوص سوپرستارها و بازیگرانی که به قول معروف شماره یک کمدی هستند. اما واقعیت این است که مجید صالحی، حسن معجونی، بیژن بنفشه‌خواه و هادی کاظمی نیز از درجه یک‌های بازیگری و سینمای کمدی ایران هستند. اما خوب اگر منظور بازیگرانی مثل پژمان جمشیدی، رضا عطاران، جواد عزتی و بهرام افشاری باشد، باید بگویم که به آنها هم پیشنهاد شد که یا سرکار بودند، یا رغبت نداشتند و یا ترسیدند. حتی یکی دو تا از آنها که اسم نمی‌آورم، فیلمنامه را هم پسندیدند اما ترجیح دادند در این مقطع زمانی، در چنین کاری بازی نکنند. یکی، دو نفر هم که مشغول کار بودند یا دو سه تا قرارداد کاری داشتند، اصلاً کار به خواندن



**دیدگاه: یادداشت اقتصادی**

## قطار به‌جای کشتی

**درباره طرح جایگزینی واردات و صادرات**

**از طریق ریل به جای دریا**

<b>مهدی بهمنیار</b>
<div>تحلیلگر تجارت</div>

هم‌زمان با تشدید محدودیت‌ها در مسیرهای دریایی و افزایش فشار بر مبادی جنوبی کشور، مسأله تداوم جریان تجارت خارجی به یکی از دغدغه‌های اصلی اقتصاد تبدیل شده است. در شرایطی که دسترسی به مسیرهای کم‌هزینه دریایی کاهش یافته، انتقال بار به مسیرهای جایگزین نمتها هزینه مبادلات را به شکل قابل‌توجهی افزایش داده بلکه محدودیت‌های عمیق زیرساختی کشور در حوزه حمل‌ونقل و لجستیک را نیز آشکار کرده است. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که ساختار تجارت خارجی ایران به‌شدت به دریا وابسته است و بیش از ۸۰درصد صادرات و واردات کشور از این مسیر انجام می‌شود؛ آن هم عمدتاً از طریق بنادر جنوبی. بنابراین هرگونه اختلال در این مسیرها به‌سرعت خود را در کل اقتصاد نشان می‌دهد. در چنین وضعیتی، نگاه‌ها به سمت مرزهای زمینی و مسیرهای جایگزین معطوف شده‌ اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که این مسیرها، ظرفیت جبران این اختلال را ندارند. کل ظرفیت مبادلاتی مرزهای زمینی کشور به‌سختی به ۵۰ میلیون تن در سال می‌رسد، درحالی که حجم کل تجارت خارجی ایران بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ میلیون تن برآورد می‌شود. به‌عبارت دیگر حتی در بهترین حالت نیز تنها حدود یک‌چهارم این حجم قابل انتقال از طریق مسیرهای غیردریایی است. این محدودیت ساختاری به‌خوبی نشان می‌دهد که ادعای محاصره‌ناپذیری ایران، اگرچه از نظر جغرافیایی صحیح است اما از منظر اقتصادی به‌معنای مصونیت از آسیب نیست. مرزهای اصلی زمینی کشور نیز خود با محدودیت‌های جدی مواجهند. مرز بازرگان با ترکیه که یکی از مهم‌ترین گذرگاههای تجاری است با وجود زیرساخت‌های نسبتاً مناسب عملاً به مرحله اشباع رسیده و صف‌های طولانی کامیون‌ها به یک پدیده دائمی تبدیل شده است. مرزهای غربی با عراق نیز وضعیتی مشابه دارند و ظرفیت آنها به‌سختی پاسخگوی تقاضای فعلی است. در شرق کشور، مرز پاکستان با وجود اهمیت استراتژیک، به دلیل ضعف زیرساختی و نبود اتصال مناسب ریلی، عملاً بلااستفاده مانده و نتوانسته نقش مؤثری در جریان فشارهای واردشده، ایفا کند. این درحالی است که در صورت سرمایه‌گذاری مناسب این مسیر می‌توانست به یکی از شریان‌های اصلی تجارت با ششرق و حتی اتصال به بازارهای چین تبدیل شود. مشکلات زیرساختی تنها به کمبود ظرفیت محدود نمی‌شود بلکه ناهماهنگی‌های فنی نیز به آن دامن زده است. تفاوت عرض ریل‌ها میان ایران و برخی کشورهای همسایه باعث شده، جابه‌جایی ریلی با هزینه و زمان بیشتری انجام نشود زیرا در مرزها نیاز به تعویض تجهیزات یا بارگیری مجدد وجود دارد. در شمال کشور نیز اگرچه دسترسی به دریای خزر و بنادر مرتبط، امکان اتصال به روسیه و آسیای میانه را فراهم می‌کند اما این بنادر از نظر ظرفیت تخلیه و بارگیری و نیز اتصال به شبکه ریلی داخلی با محدودیت‌های جدی مواجهند و آدامگی پذیرش حجم بالای تجارت را ندارند. در کنار این چالش‌های فیزیکی، موانع نهادی و بروکراتیک نیز نقش مهمی در ناکارآمدی مرزهای زمینی ایفا می‌کنند. فرآیندهای پیچیده گمرکی، تعدد مقررات و معطلی طولانی مدت کالاها در مرزها عملاً هزینه مبادلات را افزایش و سرعت تجارت را کاهش داده است. این وضعیت حتی در مناطقی که عنوان منطقه آزاد را یدک می‌کشند نیز دیده می‌شود؛ مناطقی که در عمل نتوانسته‌اند، کارکرد واقعی خود را به‌عنوان تسهیل‌کننده تجارت ایفا کنند. نبود زیرساخت‌های نرم‌افزاری کارآمد و عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف، باعث شده این مناطق بیشتر به نقاطی با تشريفات اداری پیچیده تبدیل شوند تا کانون‌هایی برای تسهیل مبادلات. از سوی دیگر، تغییر مسیر تجارت از دریا به خشکی، هزینه‌های لجستیکی را به‌شدت افزایش داده است. حمل کالا از مسیرهای جایگزین، به‌ویژه از طریق کشورهای واسطه، می‌تواند هزینه‌ای معادل چند برابر ارزش اولیه کالا ایجاد کند. این افزایش هزینه در نهایت به قیمت نهایی کالاها منتقل شده و فشار تورمی قابل‌توجهی به اقتصاد وارد می‌کند. در عین حال، محدودیت ناوگان حمل‌ونقل، فرسودگی چادها و پیچیدگی مقررات مربوط به تردد کامیون‌های خارجی، این فرآیند را دشوارتر کرده است. کاهش شدید حجم واردات نیز یکی از پیامدهای مستقیم این وضعیت است. درحالی که پیش از این سالانه بیش از ۱۵۰ میلیون تن کالا وارد کشور می‌شد این رقم اکنون به حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیون تن کاهش یافته است. چنین افتی به‌معنای اختلال جدی در زنجیره تولید، کمبود مواد اولیه و در نهایت تعطیلی بخشی از ظرفیت‌های صنعتی است. حتی تأمین کالا‌های اساسی نیز با چالش مواجه شده و در صورت تداوم این روند، آثار آن در زندگی روزمره مردم به‌تدریج آشکارتر خواهد شد. در این میان، نقش دولت و ساختار اقتصاد دولتی نیز قابل توجه است. تمرکز بیش از حد بر مدیریت دولتی و ضعف بخش خصوصی باعث شده که انعطاف‌پذیری اقتصاد در مواجهه با شوک‌ها کاهش یابد.

# توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

# بیدار شدن غول نوسان

## بازارها چرا دوباره متلاطم شدند؟

<b>نسرین خدادادی</b>
<div>گروه اقتصاد</div>

چند روزی است که بازارها دوباره نوسان‌های شدیدی را تجربه می‌کنند. غول ارزی که مدتی در خواب بود به‌منظر دوباره بیدار شده و طلا هم در حال پاره کردن زنجیرهایی است که جنگ بر پایش بسته بود.

دیروز قیمت دلار در بازار آزاد ایران را بین ۱۷۰ تا ۱۸۰ هزار تومان اعلام کردند. این بالاترین قیمت ثبت‌شده دلار در طول تاریخ محسوب می‌شود. جالب این است که دلار در هفته‌های گذشته و در اوج جنگ در محدود ۱۵۰ تا ۱۶۰ هزار تومان نوسان داشت اما در روزهای گذشته، روند افزایش قیمت آن از سر گرفته شده است.

نکته عجیب‌تر اینکه این روزها کالاها در بازارها با دلار ۲۵۰ تا ۲۷۰ هزار تومانی مبادله می‌شوند اما خود قیمت دلار در بازار حدود ۱۷۵ هزار تومان قیمت می‌خورد. این اختلاف نشان می‌دهد که در شرایط بسته بودن مسیر واردات به کشور قیمت‌گذاری کالا‌های موجود در انبارها براساس چه انتظاری از نرخ ارز در آینده صورت می‌گیرد به‌ویژه در سناریویی که مسیرهای تجاری دوباره باز شوند.

در واقع، فعالان بازار بسا نوعی قیمت‌گذاری مبتنی بر انتظارات مواجهند. به این معنا که نه نرخ فعلی ارز بلکه برآوردی از نرخ آتی که ممکن است تحت‌تأثیر ریسک‌های سیاسی، محدودیت‌های تجاری یا تغییرات سیاستگذاری باشد مبنای تعیین قیمت‌ها قرار می‌گیرد. این موضوع خود به ایجاد شکاف قیمتی و تشدید نااطمینانی در بازار دامن می‌زند. از سوی دیگر، محدودیت در واردات باعث کاهش عرضه مؤثر کالا شده و همین امر به فروشندگان اجازه می‌دهد قیمت‌ها را با حاشیه اطمینان بیشتری تعیین کنند. در چنین شرایطی، حتی اگر نرخ ارز در بازار آزاد کاهش یابد، اثر آن با تأخیر و یا به‌صورت ناقص در قیمت کالا‌ها منعکس می‌شود. در مجموع، می‌توان گفت که ترکیبی از نااطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی، محدودیت‌های تجاری و انتظارات تورمی، نقش کلیدی در شکل‌گیری تلاطم‌های اخیر بازار دارند؛ تلاطم‌هایی که بیش از آنکه بازتاب شرایط فعلی باشند، بیانگر نگرانی‌ها نسبت به آینده‌اند.

**بیدار شدن غول طلا**

بازار طلا هم دیروز با شوکی جدید مواجه شد به‌گونه‌ای که هم قیمت طلا افزایش یافت و هم سکه گران‌تر شد. این اتفاق درحالی رخ داد که قیمت طلا دیروز در بازارهای جهانی با کاهش مواجه شد. قیمت هر اونس طلای جهانی که در ابتدای روز ۴۶۰۵ دلار بود، در ساعات بعدی کاهش یافت و به ۴۵۶۲ دلار رسید. در نهایت قیمت هر اونس طلا به ۴ هزار و ۵۷۲ دلار

**دیدگاه: تحلیل اقتصادی**

# اقتصاد روانی

<b>چرا سرمایه‌گذاری در روان، مهم است؟</b>
<div>مهتا معرفت</div>

متروم

تصورش را بکنید، پشت میز کارتان نشسته‌اید اما نه تمرکز دارید، نه انگیزه و نه حتی توان تصمیم‌گیری. در ظاهر همه چیز عادی است اما در واقع بخشی از توان اقتصادی شما از بین رفته است. حال این تصویر را به میلیون‌ها نفر تعمیم دهید تا روشن شود سلامت روح فقط یک مسأله فردی نیست بلکه متغیری تعیین‌کننده در کارکرد اقتصاد است. متغیری که هم هزینه می‌سازد و هم بازاری بزرگ و رو به رشد را شکل می‌دهد. ارزش اقتصادی سلامت روح، مفهومی است که در سال‌های اخیر بیش از گذشته مورد توجه اقتصاددانان و سیاستگذاران قرار گرفته است. سلامت روان دیگر صرفاً یک موضوع فردی یا اجتماعی تلقی نمی‌شود بلکه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی بهره‌وری اقتصادی شناخته می‌شود. نیروی

رسید. در بازار داخلی هم، قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار با یک فاصله مثبت در نرخ ۲۰ میلیون و ۴۱۸ هزار تومان آغاز شد اما بعد از آن، کمی کاهش یافت و به ۲۰ میلیون و ۲۲۰ هزار تومان رسید و در پایان روز به محدوده ۲۱ میلیون تومان نزدیک شد.

همچنین قیمت طلای آب‌شده نیز از آغاز معاملات با افزایش قابل‌توجه در نرخ ۸۸ میلیون و ۴۵۰ هزار تومان شروع شد. بعد از گذشت مدتی، قیمت این نوع طلا کمی کاهش یافت و به نرخ ۸۷ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان رسید و در نهایت با نرخ ۸۸ میلیون و ۱۵۰ هزار تومان معامله شد. در بازار سکه میزان نوسان‌ها شدیدتر بود. به‌گونه‌ای که قیمت سکه امامی که معاملات دیروز را با فاصله مثبت ۱۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان آغاز کرده بود، در ساعات بعدی به ۲۰۵ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان کاهش یافت. نیم‌سکه نیز با فاصله مثبت ۸ میلیون تومانی در قیمت ۱۰۵ میلیون تومان شروع به معامله کرد و در همین محدوده به پایان رسید. قیمت ربع سکه نیز با فاصله مثبت ۵ میلیون تومانی وارد بازار شد و ابتدا در نرخ ۶۱ میلیون تومان قرار گرفت و در نهایت با اندکی کاهش به ۶۰ میلیون تومان رسید و دوباره به نرخ بازگشایی برگشت. سکه گرمی نیز با فاصله مثبت یک میلیون تومانی در قیمت ۳۰ میلیون تومان آغاز شد و در نهایت با همین نرخ کار خود را به پایان رساند.

**ریشه‌های تلاطم**

بازگشت تلاطم به بازارها را نمی‌توان به یک عامل واحد نسبت داد بلکه این وضعیت حاصل اثرگذاری چند متغیر اقتصادی، سیاسی و روانی است که در مقطع فعلی هم‌زمان فعال شده‌اند. اقتصاددانان در وهله اول به نقش انتظارات تورمی اشاره می‌کنند که در اقتصاد ایران عملاً به موتور اصلی تعیین قیمت‌ها تبدیل شده است. در چنین فضای، فعالان اقتصادی بیش از آنکه به داده‌های فعلی توجه کنند به آینده‌ای فکر می‌کنند که با عدم قطعیت بالایی همراه است. همین نگاه رو به جلو باعث می‌شود، قیمت دارایی‌هایی مانند ارز و طلا نه بر اساس شرایط امروز بلکه بر مبنای سناریوهای بدبینانه از آینده شکل گیرد.

عامل مهم دیگر، تشدید ریسک‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی است. حتی اگر در ظاهر سطح تنش‌ها نسبت به هفته‌های گذشته تغییر محسوسی نکرده باشد، کافی است چشم‌انداز حل‌وفصل این تنش‌ها مبهم‌تر شده باشد تا بازارها واکنش نشان دهند. در چنین شرایطی، سرمایه‌گذاران به سمت دارایی‌های امن‌تر حرکت می‌کنند و ایسن موضوع، تقاضا برای ارز و طلا را افزایش می‌دهد. چنانکه اقتصاددانان تأکید می‌کنند، بازارها معمولاً به خود رویدادها واکنش نشان نمی‌دهند بلکه به تغییر در انتظارات نسبت به آینده واکنش دارند. بنابراین اگر تصور شود که محدودیت‌های تجاری پایدارتر خواهد بود یا دسترسی به منابع ارزی دشوارتر می‌شود، حتی بدون وقوع شوک جدید نیز قیمت‌ها می‌توانند جهش پیدا کنند. از سوی دیگر، محدودیت

در واردات و اختلال در زنجیره تأمین نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش قیمت‌ها دارد. وقتی مسیرهای وارداتی با مانع مواجه می‌شوند، عرضه مؤثر کالا در داخل کاهش می‌یابد و همین مسأله باعث می‌شود، قیمت‌ها با حساسیت بیشتری نسبت به کوچک‌ترین تغییر در تقاضا واکنش نشان دهند. در چنین شرایطی، موجودی انبارها به یک دارایی استراتژیک تبدیل می‌شود و دارندگان کالا تلاش می‌کنند، قیمت‌ها را بر اساس نرخ‌های پیش‌بینی‌شده آینده تنظیم کنند نه هزینه‌های گذشته. این رفتار که نوعی پوشش ریسک محسوب می‌شود به شکاف میان نرخ ارز در بازار آزاد و نرخ مورد استفاده در قیمت‌گذاری کالاها دامن می‌زند. نقش سیاست‌های ارزی و پولی نیز در این میان قابل توجه است. اگر بازار این تصور را داشته باشد که سیاستگذار توان یا اراده کافی برای کنترل نرخ ارز را ندارد یا ابزارهای مداخله او تضعیف شده‌اند، انتظارات افزایشی تقویت می‌شود. حتی در مواردی که سیاستگذار مداخله می‌کند، اگر این مداخلات پایدار یا قابل انکاتلقی نشوند، اثر آنها کوتاه‌مدت خواهد بود و بازار دوباره به مسیر قبلی بازمی‌گردد. به بیان دیگر، مسأله فقط سطح عرضه ارز نیست بلکه میزان اعتبار سیاستگذار در نگاه فعالان اقتصادی نیز اهمیت دارد. همچنین نباید از نقش تقدینگی غافل شد. رشد مداوم حجم پول در اقتصاد، در نهایت خود را در قیمت دارایی‌ها نشان می‌دهد. در دوره‌هایی که سایر بازارها مانند مسکن یا بورس با رکود نسبی مواجه هستند، بخشی از این تقدینگی به سمت بازارهای سریع‌العمله‌تری مانند ارز و طلا حرکت می‌کند. این جابه‌جایی تقدینگی می‌تواند به‌سرعت باعث ایجاد موج‌های افزایشی شود به‌ویژه زمانی که با انتظارات تورمی و نااطمینانی سیاسی همراه‌استا شود. رفتارهای هیجانی و روانی نیز یکی از اجزای مهم این معادله است. در بازارهایی که شفافیت اطلاعاتی پایین است و دسترسی به داده‌های قابل‌انکا محدود است، شایعات و سیگنال‌های غیررسمی می‌توانند، نقش پررنگی در جهت‌دهی به انتظارات داشته باشند. این موضوع باعث می‌شود، نوسانات قیمتی شدت بیشتری بگیرد و حرکت‌های بازار از الگوهای منطقی فاصله بگیرد. در چنین فضایی حتی افزایش محدود قیمت می‌تواند به شکل‌گیری موج‌های تقاضای احتیاطی منجر شود که خود به افزایش بیشتر قیمت‌ها دامن می‌زند. البته باید به این نکته توجه داشت که تلاطم‌های اخیر بیش از آنکه ناشی از یک شوک ناگهانی باشند، نتیجه انباشت تدریجی عدم تعادل‌ها در اقتصاد هستند. زمانی که این عدم تعادل‌ها به سطحی می‌رسند که دیگر قابل نادیده گرفتن نیستند، بازارها به‌صورت ناگهانی واکنش نشان می‌دهند و وارد فاز نوسانی می‌شوند. به همین دلیل، بازگشت آرامش به بازارها نیز نیازمند کاهش همزمان نااطمینانی‌ها در حوزه‌های مختلف است؛ از سیاست خارجی گرفته تا سیاست‌های اقتصادی داخلی. تا زمانی که این نااطمینانی‌ها پابرجا باشند، احتمال تداوم نوسانات و حتی تشدید آنها همچنان وجود خواهد داشت.

ابعاد قابل‌توجهی پیدا کرده است. این حوزه شامل خدمات روان‌درمانی، مشاوره، داروهای مرتبط بسا سلامت روان، اپلیکیشن‌های مدیتیشن و خودیاری، کارگاه‌های توسعه فردی و حتی گردشگری سلامت روان می‌شود. در اقتصادهای پیشرفته این بازار، میلیاردها دلار گردش مالی دارد و شرکت‌های بزرگ فناوری نیز وارد آن شده‌اند. پلتفرم‌های دیجیتال که خدمات مشاوره آنلاین با برنامه‌های مدیریت استرس ارائه می‌دهند به سرعت در حال رشد هستند و تقاضا برای آنها به‌ویژه پس از بحران‌هایی مانند همه‌گیری‌ها یا تنش‌های اقتصادی، افزایش یافته است. در کنار این، سازمان‌ها و شرکت‌ها نیز به اهمیت سلامت روان کارکنان بی برده‌اند و برنامه‌های رفاه سازمانی، مشاوره‌های درون‌سازمانی و سیاست‌های کاهش استرس را در دستورکار قرار داده‌اند. این اقدامات علاوه بر بهبود شرایط کاری به کاهش هزینه‌های ناشی از ترک شغل، کاهش بهره‌وری و فرسودگی نیروی کار کمک می‌کند. در مجموع سلامت روح را می‌توان یکی از پیشران‌های پنهان اقتصاد دانست؛ عاملی که هم در سطح فردی و هم در سطح کلان بر کیفیت رشد اقتصادی اثر می‌گذارد. توجه به این حوزه علاوه بر بهبود کیفیت زندگی، می‌تواند به افزایش کارایی اقتصادی و شکل‌گیری یک بازار جدید و رو به رشد منجر شود که در آینده سهم بیشتری از اقتصاد جهانی را به خود اختصاص خواهد داد.

# خاموشی در راه است

هشدارهای مقام‌های دولتی نشان می‌دهند که تابستان گرم همراه با خاموشی و قطع برق داریم



**گروه اجتماعی:** درحالی که هنوز خاطره وعده‌های امیدوارکننده زمستانی در ذهن افکار عمومی باقی است، اظهارات اخیر مقامات ارشد وزارت نیرو نشان‌دهنده تغییر لحنی آشکار در مدیریت انتظارات عمومی برای فصل گرم است. معاون برق و انرژی وزارت نیرو در تازه‌ترین نشست خبری خود با صراحت اعلام کرده که دولت نمی‌تواند، تضمین قطعی برای عدم خاموشی در تابستان پیش‌رو ارائه دهد. این موضع‌گیری که در آستانه ورود به ماه‌های گرم سال اتخاذ شده به‌نوعی عقب‌نشینی از وعده‌های قاطعی محسوب می‌شود که پیش‌تر از سوی ریاست جمهوری مطرح شده بود و حالا بار دیگر بیم بازگشت جداول خاموشی را به صنایع و منازل مسکونی زنده کرده است.

قطع برق سپری خواهد شد. اما دیروز، نهم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ واقیعت‌های میدانی و فنی، تصویر متفاوتی را ترسیم می‌کنند. اگرچه تلاش‌های دولت برای وارد مدار کردن واحدهای جدید و تسریع در پروژه‌های نیمه‌تمام غیرقابل انکار است اما شکاف میان تولید و مصرف همچنان عمیق‌تر از آن به‌نظر می‌رسد که تنها با پروژه‌های کوتاه‌مدت پر شود. دولت از رشد ساخت نیروگاه‌ها و مدیریت هوشمندانه سدها خبر می‌دهد اما هم‌زمان معاون وزیر نیرو بر ضرورت همکاری مردم و کاهش مصرف تأکید دارد؛ درخواستی که نشان می‌دهد پایداری شبکه همچنان بر لبه تیغ قرار دارد.

## تلاقی بحران‌های اقلیمی و تنش‌های زیرساختی

تحلیل شرایط آبی کشور اگرچه نویدبخش بهبود نسبی تولید در نیروگاه‌های برق آبی است اما این سکه روی دیگری نیز دارد. طبق گزارش‌های رسمی، تولید برق نیروگاه‌های آبی در فروردین ماه سال جاری به ۶۷۳ گیگاوات‌ساعت رسیده که رشدی دو برابری را نشان می‌دهد. با این حال فرسودگی برخی نیروگاه‌های قدیمی و خروج برخی واحدها از چرخه تولید به دلیل خشکسالی‌های سنویتی همچنان یک چالش جدی است؛ به طوری که سدهایی مانند سیمهر و گوند با حداقل

## از وعده تابستان بی‌خاموشی تا واقیعت ناترازی

حدود دو ماه پیش، در اواخر بهمن‌ماه سال گذشته، مسعود پزشکیان در سفر به لرستان با اطمینان از عبور بدون مشکل از پیک مصرف سخن گفته بود. او با اشاره به کسری ۲۵ هزار مگاواتی که دولت در بدو تحویل با آن مواجه بود، تأکید کرد که با افزودن ۱۰ هزار مگاوات ظرفیت جدید از طریق نیروگاه‌های سیکل ترکیبی و پنل‌های خورشیدی، تابستان امسال بدون

«قلب تپنده» تأمین برق و یوتیلیتی در مناطق ویژه اقتصادی خلیج‌فارس و عسویه وارد کرده است. آسیب‌های جدی به مجتمع‌هایی همچون فجر انرژی خلیج‌فارس و مبین انرژی نته‌تها تولید در بیش از ۵۰ مجتمع پتروشیمی را مختل کرد بلکه مستقیماً بر پایداری اکوسیستم انرژی کشور اثرگذار بوده است. این وقایع ناگوار بخشی از توان عملیاتی دولت را که بنا بود صرف جبران ناترازی شود، معطوف به بازسازی و مدیریت بحران کرده است. با این حال پرسش اساسی افکار عمومی همچنان پابرجاست: آیا اصلاحات ساختاری وعده داده شده و نصب میلبونی کنتورهای هوشمند، توان مقابله با این فشارهای چندجانبه را خواهد داشت یا تابستان امسال بار دیگر با طعم تلخ خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده گره خواهد خورد؟

ظرفیت یا توقف کامل تولید مواجه هستند. این وضعیت در کنار نیاز مبرم به تعمیرات اساسی واحدها، فشار مضاعفی را بر شبکه سراسری وارد می‌کند. در چنین شرایطی حتی بارش‌های فصلی نیز نمی‌توانند به تهنیتی ضامن پایداری شبکه در روزهای اوج گرما باشند و مدیریت مخازن سدها برای یک تابستان، راهکاری است که موفقیت آن مستلزم دقت ریاضی و البته نبود متغیرهای پیش‌بینی نشده است.

## سایه سنگین اختلالات امنیتی بر پیکره انرژی

اما آنچه تحلیل منصفانه از وضعیت موجود را پیچیده می‌کند، تنها ناترازی‌های فنی و اقلیمی نیست. حملات اخیر به زیرساخت‌های حیاتی صنعت پتروشیمی در اسفندماه گذشته و فروردین‌ماه سال جاری، ضربه‌ای اساسی به

## جامعه

# حج در میانه جنگ؟

مناسک در میانه آتش بس و بیم و امید خطرات یک سفر زیارتی



فانزه مومنی  
گروه اجتماعی

درحالی که سایه سنگین تنش‌های نظامی میان ایران و ائتلاف آمریکا-اسرائیل، منطقه را در وضعیتی اضطرابی قرار داده بود اکنون در دوران شکننده «آتش‌بس موقت» اعزام ده‌ها هزار زائر ایرانی به عربستان سعودی به یکی از بحث‌برانگیزترین تصمیمات کشور تبدیل شده است. این تصمیم که در متن خود بیم و امیدهای فراوانی را حمل می‌کند، نته‌تها از منظر امنیت جانی شهروندان بلکه از زاویه منافع ملی و مدیریت منابع ارزی با انتقادات جدی روبه‌رو شده است. پرسش اصلی اینجاست در شرایطی که تضمینی برای تداوم آرامش نیست، اصرار بر برگزاری حج با کدام منطق توجیه می‌شود؟

## امنیت زائران؛ از فرضیه گروگان‌گیری تا تأییدیه عالی

برگزاری حج در میانه یک وضعیت جنگی، ریسک‌های امنیتی را به سطح بی‌سابقه‌ای رسانده است. برخی منتقدان از جمله صادق‌الحسینی یکی از فعالان رسانه‌ای این اقدام را در شرایط فعلی «بزرگ‌ترین خطا» و به‌مثابه «ارسال رسمی گروگان» تشبیه کرده‌اند. آنها معتقدند، ارزیابی بالای این سفر در شرایط خطری فعلی، ذخایر ارزی کشور را به‌خطر می‌اندازد. با این حال علیرضا رشیدیان، رئیس سازمان حج و زیارت با رد هرگونه شایعه درخصوص گروگان‌گیری یا آزار زائران، معتقد است که اگر عربستان به‌دنبال خللی در رفت یا بازگشت زائران بود، این کار را در زمان بازگشت عمره‌گزاران در آغاز جنگ و ماه مبارک رمضان انجام می‌داد. او تأکید دارد که عمره‌گزاران در آن ایام در کمال عزت و ایمنی به کشور بازگشتند و دولت عربستان نیز خود را «خادم‌الحریمین» می‌داند.

اما در سوی دیگر، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس صراحتاً با این اعزام مخالفت کرده است. وحید احمدی، عضو این کمیسیون، با اشاره به شرایط جنگی اعلام کرد که نظر مخالف مجلس به شورای عالی امنیت ملی منتقل شده است. با این حال تصمیم نهایی در اختیار نهادهای عالی امنیتی بود که در نهایت با انجام آن موافقت کردند و اکنون فرآیند اعزام تحت نظارت آنها در حال اجراست.

با مشکل مواجه شده و احتمالاً طرف سعودی، طلب‌های قبلی بابت عمره را برای پوشش بخشی از سهمیه فعلی لحاظ کرده است. از بُعد سیاسی، حضور ایران به‌عنوان یک قدرت شیعه در حج اهمیت ویژه‌ای دارد. برگزاری حج در شرایط جنگی می‌تواند این پیام را به جهان مخابره کند که ایران حتی در بحرانی‌ترین شرایط، فریضه را ترک نکرده و ثبات خود را حفظ کرده است. با این حال کاهش سهمیه فشار مضاعفی بر زائران سالخورده‌ای وارد کرده که بیش از ۱۷ سال در نوبت بوده‌اند و اکنون با کاهش توان جسمی، نگرانند که هرگز موفق به انجام این مناسک نشوند.

## از سناریوی زمینی تا پروازهای اردیبهشت

در مقطعی به دلیل شرایط جنگی، قرار بود اعزام‌ها به‌صورت زمینی از مرز «عرعر» انجام شود. این موضوع باعث ریزش قابل‌توجه متقاضیان شد چراکه بیمودن مسیر طولانی برای زائران بالای ۵۰ سال بسیار دشوار بود. اما در نهایت با تغییر برنامه‌ریزی‌ها، اعزام‌ها مجدداً به‌صورت هوایی برقرار شد. اولین گروه زائران در تاریخ هفتم اردیبهشت عازم مدینه شدند و قرار است، اولین گروه نیز در ۱۱ خرداد ماه از جده به کشور بازگردند. سازمان حج برای جلب رضایت زائران، خدماتی نظیر افزایش مدت اقامت در مدینه (از ۴ شب به ۷ روز) و استفاده از قطار برای انتقال به مکه و بسته‌های ارتباطی شامل ۶۰ دقیقه مکالمه و ۵ گیگ اینترنت را تدارک دیده است. همچنین ۵ درمانگاه و یک بیمارستان در مکه و دو درمانگاه در مدینه توسط پزشکان ایرانی فعال شده‌اند. با این حال شرکت‌های زیارتی به دلیل وضعیت اقتصادی و افزایش هزینه‌ها در شرایط زیان‌ده قرار دارند و حمایت چندانی هم از آنها صورت نگرفته است.

## بر مدار ابهام

حج امسال، حسی است که میان وظیفه شرعی، ضرورت‌های اقتصادی و هشدارهای امنیتی محصور شده است. اگرچه رئیس سازمان حج توصیه کرده که زائران به شایعات توجه نکنند و بر عزت و کرامت آنها تأکید ورزیده اما واقیعت این است که فشارهای اقتصادی و تنش‌های منطقه‌ای این سفر را برای بسیاری به یک «قمار بزرگ» تبدیل کرده است. با روند فعلی و احتمال رسیدن هزینه حج به ۵۰۰ میلیون تومان در سال‌های آینده، انتظار می‌رود نهادهای مسئول راهکاری عادلانه برای حفظ حقوق مالی زائران و شفاف‌سازی درباره سهمیه‌ها ارائه دهند تا این فریضه از دسترس عامه مردم خارج نشود.



جهشی خیره‌کننده داشته و بازگرداندن صرف مبلغ پرداختی به انصراف‌دهندگان عملاً به معنای تضییع حقوق آنهاست.

## معمای کاهش سهمیه و دیپلماسی در عرفات

درحالی که سهمیه ایران در سال‌های گذشته حدود ۸۵ هزار نفر بود، امسال این رقم به ۳۰ هزار نفر کاهش یافته است. سازمان حج مدعی است این کاهش سهمیه از سوی عربستان تعیین شده اما ابهامات زیادی در این باره وجود دارد. برخی گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن است که ایران در انتقال مبالغ ارزی به دلیل تحریم‌ها

## بیانیه

# اینترنت آزاد؛ حقی همگانی نه کالایی برای فروش

بیانیه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران درباره ضرورت دسترسی برابر به اینترنت

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در بیانیه‌ای اعلام کرد که دسترسی به اینترنت آزاد، باکیفیت و همگانی نه یک امتیاز لوکس بلکه حقی عمومی و بنیادین است که تأمین آن برعهده دولت‌ها قرار دارد. در این بیانیه آمده که: تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که شهروندان بارها در شرایط مختلف از این حق محروم شده‌اند؛ محرومیتی که نته‌تها زندگی روزمره مردم بلکه بنیان‌های اطلاع‌رسانی و فعالیت رسانه‌ای را نیز با اختلال جدی مواجه کرده است.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران، گردش آزاد و شفاف اطلاعات را ستون اصلی فعالیت رسانه‌ها می‌داند و بر این باور است که آگاهی، پیش‌شرط توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای است. از همین‌رو این انجمن در بیانیه‌های متعدد خود نسبت به پیامدهای سیاست‌های محدودکننده اینترنت هشدار داده است. قطع و اختلال مکرر اینترنت، افزون بر آسیب‌های اقتصادی به کسب‌وکارها و اختلال در ارتباطات ضروری مردم، ضربه‌ای مستقیم به کارکرد رسانه‌ها و پایداری بنگاه‌های رسانه‌ای وارد می‌کند.

در این میان، شکل‌گیری سیاست‌هایی همچون ارائه «اینترنت‌های خاص» نته‌تها راه‌حلی برای مشکلات موجود نیست بلکه می‌تواند به تشدید نابرابری‌های اجتماعی نیز منجر شود. واگذاری دسترسی بهتر و آزادتر به اینترنت، آن‌هم در قبال پرداخت هزینه‌های بالاتر و برای گروهی خاص به‌معنای تبدیل یک حق عمومی به کالایی قابل خرید و فروش است؛ روندی که هم از منظر حقوقی و هم از حیث اخلاقی، قابل دفاع نیست.

این درحالی است که رئیس‌جمهور در جریان رقابت‌های انتخاباتی بر ایستادگی در برابر فیلترینگ نابه‌جا تأکید کرده بود. انتظار می‌رود، دولت نته‌تها از تداوم محدودیت‌های گسترده اینترنتی پرهیز کند بلکه از هرگونه سیاستی که به تعمیق تبعیض در دسترسی به این حق عمومی می‌انجامد نیز فاصله بگیرد. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران بار دیگر تأکید می‌کند که اینترنت آزاد، ابزار حیاتی کار رسانه‌هاست و بدون دسترسی برابر و همگانی به آن امکان اطلاع‌رسانی شفاف و مؤثر وجود نخواهد داشت. از این‌رو این انجمن از دولت می‌خواهد، شرایطی فراهم آورد که همه شهروندان، خبرنگاران و رسانه‌ها بتوانند به‌صورت عادلانه و بدون تبعیض از اینترنت آزاد و باکیفیت بهره‌مند شوند؛ چراکه در غیاب چنین دسترسی‌ای نته‌تها رسانه‌ها بلکه حق آگاهی جامعه نیز تضعیف خواهد شد.



**سازندگی:** روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی  
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانزفر، محمد قوجانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آری‌نفر • حروف‌چین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۲۳۷۴۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

# تصمیم سخت، اما ضروری

## مهم‌ترین اولویت امروز، بازسازی اقتصاد و اعتماد ملی است



**نوبید حسینیون**

عضو شورای استان خراسان رضوی  
حزب کارگزاران سازندگی ایران

روزهای پرتنش ایران در میانه آتش‌بس شکننده و خطر شعله‌ور شدن دوباره جنگ درحالی می‌گذرد که کشورهای دنیا با شک و تردید و امیدواری به جلسات مذاکره و پیام‌های رویداد شده برای تمدید آتش‌بس می‌نگرند و شاهد سقوط اقتصاد خود، بازارهای مالی و رشد قیمت‌ها هستند و در این میان چیزی که بیشتر از همه نگران‌کننده است، جابه‌جایی تجهیزات و مهمات جنگی به سمت غرب آسیا و ایران است، گویی آینده را نه از میان کلمات متناقض سیاستمداران بلکه از میان جابه‌جایی نیرو و مهمات باید جست‌وجو کرد.

دور اول درگیری شدید میان ایران و ائتلاف آمریکایی-اسرائیلی با همکاری کشورهای عرب منطقه برخلاف پیش‌بینی آنها، نه‌تنها به نتیجه مطلوب نرسید بلکه با واکنش شدید ایران در پاسخ متقابل به کشورهای منطقه و بستن تنگه هرمز به بن‌بست رسید و جنگ نظامی به سرعت تبدیل به جنگ اقتصادی شد که در آن نه‌تنها بازار انرژی دنیا را دچار چالشی شدید کرد بلکه تبعات آن با کاهش تولید کود اوره و هلیوسوم به بازار کشاورزی و مواد غذایی و صنعت الکترونیک، پزشکی دنیا و... هم کشیده شد و دومین‌وار بازارهای دیگر و اقتصاد دنیا را دچار تنش کرد. در ایران اما ما با وضعیت پیچیده‌تر و سخت‌تری روبه‌رو هستیم؛ نه‌تنها مورد حمله‌ای ظالمانه و وحشیانه قرار گرفتیم بلکه تنش‌های اجتماعی-سیاسی و دوقطبی جنگ و صلح، همراه با شرایط سخت اقتصادی بر زندگی و معیشت مردم نیز وارد شده است. جنگ ۴۰ روزه نشان داد که توهم حمله خارجی تطهیر شده به اسم کمک‌های خارجی نقطه‌زن، چقدر سوچ و توهم‌انگیز بوده و چگونه ذهن عده‌ای را در داخل کشور مسخ خود کرده بود. حالا شرایط واقعی جنگ بسیار عیان‌تر خود را نشان داده و تطهیر جنگ برای وطن‌فروشان سخت‌تر و دشوارتر شده است اما برای گذر از شرایط موجود و حذف فشارهای خارجی باید ابتدا به داخل کشور رجوع کرد و با اتخاذ تصمیمات مهم، ابتدا به حل و فصل مشکلات داخل پرداخت.

اولین قدم باید تصمیم‌گیری برای معیشت و اقتصاد کشور باشد؛ دورنمای شرایط موجود، نشان می‌دهد که حتی اگر دور سوم درگیری‌های نظامی شروع نشود، فشار اقتصادی بسیار شدیدتر خواهد شد و طرفین سعی می‌کنند با فشار شدید اقتصادی، اراده همدیگر را به چالش بکشند. برای گذر از این مرحله، راه‌حلی به‌جز کنار گذاشتن روش‌های اشتباه قبلی نیست؛ حذف پروکراسی فشل و ناکارآمد قدیمی و قوانین دست‌وپاگیر و جلوگیری از تغییرات مکرر سیاستی و بی‌ثبات‌کننده، مشارکت بخش خصوصی واقعی، رفع محدودیت‌های اینترنتی و فیلترینگ

# تشیع بی‌گفت‌وگو

## فاصله‌ای تلخ با راه امام رضا(ع)



**محمدامین سعودی**

فعال مدنی

گفت‌وگو یعنی روبه‌رو شدن دو ذهن با قصد فهمیدن، نه صرفاً غلبه کردن. در گفت‌وگو، هر طرف می‌کوشد هم سخن خود را بیان کند و هم سخن دیگری را واقعاً بشنود. تفاوت گفت‌وگو با جدل در همین‌جاست: جدل برای پیروزی است اما گفت‌وگو برای روشن‌تر شدن حقیقت. گفت‌وگو فضایی می‌سازد که در آن اندیشه‌ها فرصت پیدا می‌کنند آشکار شوند، نقد شوند و رشد کنند.

در تاریخ اسلام، یکی از نمونه‌های برجسته فرهنگ گفت‌وگو را می‌توان در سیره امام رضا علیه‌السلام دید. در دوره ایشان، مناظره‌های متعددی میان امام و دانشمندان ادیان و مکاتب مختلف برگزار شد. نکته مهم در این مناظره‌ها فقط محتوای استدلال‌ها نبود بلکه شیوه مواجهه امام بود: آرام، محترمانه و استدلالی. امام رضا بسا مخالفان خود گفت‌وگو می‌کرد، به سخن آنان گوش می‌داد و با استدلال پاسخ می‌داد؛ نه با تحقیر و نه با حذف.

این تجربه تاریخی، یک پیام روشن برای امروز دارد. جامعه‌ای که بتواند سنت گفت‌وگو را زنده نگه دارد، بهتر می‌تواند با اختلاف‌ها و پیچیدگی‌های زمانه روبه‌رو شود. برای ایران امروز نیز گسترش فرهنگ گفت‌وگو-در دانشگاه، رسانه، سیاست و حتی در زندگی روزمره- می‌تواند راهی برای کاهش شکاف‌ها و تقویت فهم متقابل باشد. گفت‌وگو نه نشانه ضعف بلکه نشانه اعتماد به عقل و حقیقت است؛ همان چیزی که در سیره امام رضا علیه‌السلام به‌خوبی دیده می‌شود.

اهمیت گفت‌وگو از همین‌جا روشن می‌شود. جامعه‌ای که در آن گفت‌وگو جریان دارد از تک‌صدایی و تنگ‌نظری فاصله می‌گیرد. در چنین فضایی، اختلاف‌نظر به بحران تبدیل نمی‌شود بلکه به فرصتی برای فهم عمیق‌تر بدل می‌گردد. گفت‌وگو به افراد کمک می‌کند پیچیدگی جهان را بپذیرند، از قطعیت‌های ساده‌انگارانه فاصله بگیرند و به‌تدریج فرهنگ مدارا، تفکر انتقادی و اخلاقی در جامعه تقویت شود.

در گزارش‌های کتاب عیون اخبار الرضا، چند مناظره مهم

از امام رضا(ع) نقل شده است؛ از جمله گفت‌وگو با عمران صابی، جاثلیق مسیحی، رأس‌الجالوت یهودی و دانشمند زرتشتی در مجلس مأمون. در این مناظره‌ها، امام با آرامش و تسلط علمی به پرسش‌ها پاسخ می‌دادند و بحث را با استدلال عقلی پیش می‌بردند. مثلاً در گفت‌وگو با عمران صابی درباره توحید، امام با طرح پرسش‌های دقیق او را قدم‌به‌قدم به اندیشه درباره خالق جهان هدایت کردند. در مناظره با جاثلیق و رأس‌الجالوت نیز از متون مورد قبول خود آنان- مانند انجیل و تورات- برای استدلال استفاده کردند تا نشان دهند، گفت‌وگو باید بر پایه فهم مشترک و دلیل باشد، نه صرفاً ادعا.

در این مناظرات، روش امام رضا(ع) نمونه‌ای روشن از ادب در گفت‌وگو و شجاعت فکری است. ایشان با وجود حضور دانشمندان ادیان مختلف و فضای رسمی دربار مأمون از بحث و مناظره هراسی نداشتند و با احترام کامل به سخنان طرف مقابل گوش می‌دادند. امام نه با تند و تحقیر بلکه با منطق و آرامش پاسخ می‌دادند و همین رفتار باعث می‌شد فضای گفت‌وگو به سمت فهم حقیقت پیش برود. این شیوه نشان می‌دهد که در نگاه امام، گفت‌وگو فرصتی برای روشن شدن حقیقت و نزدیک شدن دل‌ها به فهم درست است، نه میدان رقابت و غلبه بر دیگران.

اگر سیره امام رضا(ع) را معیار بگیریم، بسیاری از کسانی که امروز خود را مدافع اسلام و تشیع می‌دانند، فاصله‌ای آشکار با آن روش دارند. امام در برابر اندیشمندان ادیان گوناگون با آرامش، استدلال و ادب می‌ایستاد و از گفت‌وگو نهراسید؛ اما امروز گاهی به‌جای منطق و گفت‌وگو، خشم، برچسب‌زنی و بستن راه بحث دیده می‌شود. کسی که از پرسش می‌ترسد یا به‌جای دلیل به تخریب و تکفیر پناه می‌برد، در حقیقت از همان راهی فاصله گرفته که امام رضا(ع) با شجاعت و گشاده‌دلی پیمود.

سیره آن امام نشان می‌دهد که حق از گفت‌وگو نمی‌ترسد؛ بلکه در میدان پرسش و استدلال روشن‌تر می‌شود. بنابراین اگر کسی نام امام رضا را بر زبان دارد اما تاب شنیدن اندیشه دیگران را ندارد باید بداند که تنها نامی از آن میراث بزرگ را حفظ کرده است، نه روح آن را. وفاداری به امامان تنها در شعار نیست؛ در آزادی در اندیشه، ادب در گفت‌وگو و شجاعت در رویارویی با پرسش‌ها آشکار می‌شود.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

ترجمان هرگ، حضور جاودانه انسان در محضر خداست

## جناب آقای دکتر صالح نقره‌کار

ضایعه درگذشت پدر گرامی جنابعالی، جناب استاد عبدالحمید نقره‌کار باعث تأثر و تالم فراوان گردید.

بدین‌وسیله مراتب تسلیت ما را پذیرا باشید.

برای ایشان، رحمت و غفران واسعه الهی و برای شما و خاندان معزز، صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

روابط‌عمومی حزب کارگزاران سازندگی ایران

## آگهی حراج عمومی



شرکت گروه تخصصی کشاورزی و دام‌زرین رویش ماندگار (سهامی خاص) در نظر دارد محصولات سردرختی باغ موقوفه شامل انواع مختلف هلو، شلیل و آلو واقع در استان گلستان آزاد شهر، کیلومتر یک جاده گنبد، جنب شرکت ران (گلچشمه)، باغ موقوفه میرسعیدالله ایلخانی به شرح جدول ذیل را از طریق حراج به فروش برساند.

ردیف	شماره قطعه	مساحت(هکتار)	مبلغ سپرده (ریال)
۱	قطعه شماره یک	۶۰/۵	۲۴/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	قطعه شماره دو	۶۵/۳	۲۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
۳	قطعه شماره سه	۹۶/۵	۳۸/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰

قیمت پایه کارشناسی جمع مبلغ سه قطعه ۰۰۰/۱۳۵/۰۰۰/۱۹۹/۰۰ ریال می‌باشد.

مهلت شرکت در حراج تا ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۴ خواهد بود.

متقاضیان می‌توانند برای اطلاع از سایر شرایط حراج، دریافت اسناد حراج و نحوه بازدید از باغ:

به دفتر مرکزی شرکت به آدرس تهران، خیابان نوفل‌لوشاتو، روبروی خیابان هانری کربن، ساختمان فناوری سازمان اوقاف و امور خیریه، طبقه اول شرکت کشاورزی و دام‌زرین رویش ماندگار مراجعه نمایند.

یا به اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان آزاد شهر مراجعه نمایند.

یا به پایگاه اطلاع‌رسانی اوقاف و امور خیریه استان گلستان به نشانی [oghaf.golestan.ir](http://oghaf.golestan.ir) مراجعه نمایند.

یا با شماره تلفن‌های ۰۹۱۹۶۶۳۷۷۰۷ یا ۰۹۳۵۹۳۰۵۵۱۵ یا ۰۹۱۲۷۶۶۱۷۱۹ یا ۰۱۷۳۵۷۳۳۱۳۹ داخلی ۱۰۴ تماس حاصل نمایند.

شرکت گروه تخصصی کشاورزی و دام‌زرین رویش ماندگار (سهامی خاص)

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ

برادر ارجمند

جناب آقای

## صالح نقره‌کار

مراتب تسلیت بنده را

در فقدان ابوی گرامی تان پذیرا باشید.

روحشان قرین رحمت واسعه الهی

و خلد برین سرایشان باد.

با احترام؛ امیراقتناعی